

رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و ایتالیا: این هیأت در مدت حضور در ایران با رئیس جمهوری، رئیس مجلس، وزیر امور خارجه، رئیس اتاق بازرگانی و چندن تن مسئولان اقتصادی کشورمان دیدار و گفتگو می کند

صفحه ۲

سه شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۴ - ۱۸ شوال ۱۴۳۶ - ۴ آگوست ۲۰۱۵ - سال نودم - شماره ۲۶۲۱۹ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

معاون اول رئیس جمهوری در نشست اعضای هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران:

# نباید اجازه دهیم افراطیون و دشمنان بار دیگر کشور را ملتهب کنند



جهانگیری: بخش خصوصی بالغ و عاقل شده و به حدی رسیده است که موقعیت‌ها را خوب تشخیص دهد

گاهی اوقات فرصت‌های خوب پیش آمده برای توسعه کشور را تبدیل به فرصت‌سوزی می‌کنیم

تمام تصمیم‌گیری‌های دوران تحریم باید لغو شود و قوانینی که برای دور زدن تحریم‌ها در ستاد تدابیر ویژه تصویب شده بود، باید تغییر کند

بخش خصوصی واقعی باید برای بهبود فضای کسب و کار به میدان بیاید

فساد اداری مانند موریا نه به جان کشور افتاده است که باید با آن مقابله کنیم

وزیر صنعت: وظیفه دولت در وضع کنونی حمایت از توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و کمک به توانمندسازی آن است

رئیس کل بانک مرکزی از برنامه دولت برای رفع محدودیت تأسیس بانک‌های خارجی خبر داد

در تلاشیم معادل ریالی «ال سی» را از ۳۰ به ۱۰ درصد کاهش دهیم

رئیس اتاق بازرگانی ایران: امیدواریم هیات‌های خارجی با نگاه به نیازهای کشور و توانمندسازی بخش خصوصی مذاکرات فعالی داشته باشند

صفحه ۴

## تقاضای شورای همکاری خلیج فارس برای همکاری با ایران

وزیر خارجه قطر: شورای همکاری خلیج فارس بر همکاری سازنده با ایران براساس حسن همجواری تأکید دارد

جان کری: اجرای «برجام» به ثبات منطقه می‌انجامد

صفحه ۱۶

## طرح جامع توانمندسازی زنان

### سرپرست خانوار از مهرماه اجرا می‌شود

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده: آمارها حکایت از رشد آسیب‌های زنان و زنانه شدن آسیب‌های اجتماعی می‌کند

سند اشتغال پایدار زنان تدوین شد

### یادگار گرامی امام: کلاس درس بدون آزاداندیشی معنا ندارد

دانشجو و طلبه باید در مرحله اول از استاد خود آزاداندیشی را بیاموزد

در حوزه علوم، امر مقدسی وجود ندارد

معلمی که از حیث معیشتی دچار مشکل باشد توان تعلیم و تربیت در یک فضای آزاد و سالم را ندارد

برخی شجاعت ایستادن مقابل تخلف دوستان خود را ندارند

### برگزاری جشنواره فرهنگی-اقتصادی کرمان در تهران

هفته فرهنگی-اقتصادی کرمان روز جمعه در برج میلاد تهران با حضور میهمانان زیادی از خارج و داخل برگزار می‌شود

صفحه ۳

### تلاش‌های گسترده دولت آمریکابرای تصویب توافق هسته‌ای توسط کنگره

خبرگزاری رویترز: با وجود لابی گسترده حامیان اسرائیل و جمهوریخواهان در کنگره، هیچکدام موکرات‌ها با توافق هسته‌ای اعلام مخالفت نکردند

او با ما ۸۰ نماینده کنگره درباره توافق هسته‌ای گفتگو کرده است

صفحه ۲

ادب و هنر

ادبیات و هنر

روزه ادب و هنر ضمیمه اطلاعات امروز

صنعت نفت

دوران پساتریم

صفحه ۷

نظریه‌های اندیشه‌ها

مشروطیت

گفتاری از استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری

کژلاروشی

سیر تحولات اجتماعی زنان در ایران

صفحه ۵

پایانداشته

جنگ جهانی در خاورمیانه

نادر مازنجی

پایانداشته

شرایط سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

شبان شهیدی مودب

### انتشارات اطلاعات منتشر کرد:

### تاریخچه مبارزات اسلامی دانشجویان ایرانی

#### در خارج از کشور (جلد چهارم)

«اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا» (۱۳۶۰-۱۳۴۴)

تنظیم و تدوین مجتبی باقر نژاد

وزیری، ۴۹۶ صفحه، چاپ اول، ۱۸۰۰۰ تومان

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا در سال ۱۳۴۴ تأسیس شد و پس از ۱۷ سال تلاش و فعالیت صادقانه و بی‌وقفه، به صورت یک تشکیلات منسجم و تعیین کننده در خارج از کشور درآمد. گزاره‌های اساسی این سازمان را یکی از بازوهای پرتوان مبارزات ستم‌شاهی و مدافعان انقلاب اسلامی و رهبر بی‌بدیل آن بدانیم. اتحادیه در آن سال‌های پرتب و تاب تنها سازمانی بود که قائلان زمان یعنی امام خمینی (ره) آن را تأیید و پیام‌های گوناگونی برای این تشکیلات ارسال می‌کرد.

به پاس همه آن تلاش‌های صادقانه در طی ۱۷ سال، برآن شدیم تا بخشی از این فعالیت‌ها را به عنوان تاریخ این سراسرزمین به مثابه چراغی قراره نسل آینده ماندگار و مستند سازیم. بدین منظور ۱۲ سال از تاریخچه مبارزات این سازمان در

سه مجلد به نام «تاریخچه مبارزات اسلامی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور»، «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا» (۱۳۶۰-۱۳۴۴) در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۳ به زیور چاپ آراسته شد. اسناد اتحادیه از تأسیس آن تا پایان دوره هفتم در جلد اول و دوره هشتم تا پایان دوره دوازدهم در جلد دوم و دوره دوازدهم در جلد سوم جای گرفت. اکنون جلد چهارم این مجموعه در برگیرنده فعالیت‌های دوره سیزدهم اتحادیه (مهر ۱۳۵۶ - مهر ۱۳۵۷) می‌باشد و وقایع و حوادث پرتب و تاب این سال‌ها نظیر درگذشت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی و خیزش مردم در شهرهای گوناگون را در خود جای داده است، در دسترس عموم قرار می‌گیرد.

فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۸۶  
فروشگاه شماره ۱: تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴  
نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۳۴۲، ۲۹۹۹۳۳۰۶  
پرای خرید اینترنتی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۳۰۶ تماس حاصل فرمایید.  
آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabettelaat.com

### شرکت توسعه منابع انرژی توان

#### آگهی مناقصه عمومی

شرکت توسعه منابع انرژی

شرکت توسعه منابع انرژی توان در نظر دارد اقدام مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی و از شرکت‌های واجد شرایط خریداری نماید. لذا از متقاضیان دعوت به عمل می‌آید جهت تهیه اسناد و تحویل پاکت‌های مربوط به مناقصه برابر روش ذیل اقدام نمایند.

شماره مناقصه	نام کالا	مقدار
۹۴۰۲۳	سیمان سکار ۸۰	۱۵۰۰۰ کیلوگرم
۹۴۰۲۴	کلساینده آلومینا	۱۰۰۰۰ کیلوگرم
۹۴۰۲۷	بوکسیت چینی	۱۰۰۰۰۰ کیلوگرم
۹۴۰۲۸	تابولار آلومینا	۱۲۰۰۰ کیلوگرم

ارائه ضمانتنامه بانکی معادل ۵ درصد مبلغ پیشنهادی، ارائه سابقه فعالیت، اسنادنامه، روزنامه رسمی و مشخصات کامل اعضای هیات مدیره، تاریخ دریافت اسناد مناقصه، روز و انتشار آگهی، آخرین مهلت ارسال پیشنهادها، ساعت ۱۵ روز سی‌ام از انتشار آگهی، بهای اوراق مناقصه، مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال برای هر مناقصه و ارزی به حساب جاری ۲۶۵/۴۷ بانک سپه شعبه شهید چمران ۱۱۷۷، به نام شرکت توسعه منابع انرژی توان، محل تهیه اسناد و تحویل پیشنهادها، خیابان پاسداران، نرسیده به میدان نوبنیاد، ابتدای بزرگراه شهید باهنی، شرکت توسعه منابع انرژی توان، معاونت بازرگانی، شماره تماس: ۲۳۵۰۵۳۳، به پیشنهادهایی که فاقد سبرده کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و پیشنهادهایی که پس از انقضای مهلت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. شرکت توسعه منابع انرژی در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. قیمت‌های ارائه شده فقط به صورت تحویل در مقصد (CPT) یا (CFR) و به صورت ارزی مورد قبول خواهد بود. سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به این مناقصه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.

۱۴/۹/۹۵ ام الف

وزارت نیرو  
شرکت مدیریت منابع آب ایران  
شرکت سبهای آب منطقه ای سیستان و بلوچستان

### آگهی فراخوان

(نوبت اول)

شرکت سبهای آب منطقه‌ای در نظر دارد نسبت به انتخاب مشاور دارای صلاحیت حداقل پایه سه در رشته حفاظت و مهندسی رودخانه از سوی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری جهت مطالعات تعیین حد بسترو و حريم رودخانه‌های دامن، بمپور و ایرندگان اقدام نماید.

لذا از کلیه مشاوران ذیصلاح دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسنادارزیابی کیفی از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۷ روز کاری در ساعات اداری یا در دست داشتن نامه کتبی به آدرس زاهدان - خیابان دانشگاه - نبش دانشگاه ۳۹ - شرکت سبهای آب منطقه‌ای و یا وب سایت شرکت به آدرس [www.sbrw.ir](http://www.sbrw.ir) مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت سبهای آب منطقه‌ای استان سیستان و بلوچستان

### آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت توزیع نیروی برق غرب با نذران در نظر دارد قرائت کنتور و بخش قبوض به شرح ذیل را به پیمانکار مجاز واگذار نماید.

ردیف	موضوع مناقصه	شمار مناقصه	مبلغ پایه مناقصه به ریال	مبلغ تضمین مناقصه به ریال
۱	تجدید و تعویض قرائت کنتور و بخش قبوض	۹۴/۱۶۶-۱	۲۶/۶۰۰/۷۳۵/۲۵۴	۹۱۸/۰۲۱/۷۵۸
۲	مبلغ مناقصه قرائت کنتور و بخش قبوض	۹۴/۱۶۶-۲	۵/۵۰۰/۷۰۲/۴۴۱	۲۷۱/۵۲۱/۰۷۳

زمان مراجعه به دفتر مناقصه: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۹ تا ۱۲  
زمان تحویل پاکت پیشنهاد: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۲ تا ۱۵  
زمان بازگشایی پاکت پیشنهاد: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۵ تا ۱۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۸ تا ۲۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۰ تا ۲۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۲ تا ۲۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۴ تا ۲۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۶ تا ۲۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۸ تا ۳۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۰ تا ۳۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۲ تا ۳۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۴ تا ۳۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۶ تا ۳۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۸ تا ۴۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۴۰ تا ۴۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۴۲ تا ۴۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۴۴ تا ۴۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۴۶ تا ۴۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۴۸ تا ۵۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۵۰ تا ۵۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۵۲ تا ۵۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۵۴ تا ۵۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۵۶ تا ۵۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۵۸ تا ۶۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۶۰ تا ۶۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۶۲ تا ۶۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۶۴ تا ۶۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۶۶ تا ۶۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۶۸ تا ۷۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۷۰ تا ۷۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۷۲ تا ۷۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۷۴ تا ۷۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۷۶ تا ۷۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۷۸ تا ۸۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۸۰ تا ۸۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۸۲ تا ۸۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۸۴ تا ۸۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۸۶ تا ۸۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۸۸ تا ۹۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۹۰ تا ۹۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۹۲ تا ۹۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۹۴ تا ۹۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۹۶ تا ۹۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۹۸ تا ۱۰۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۰۰ تا ۱۰۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۰۲ تا ۱۰۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۰۴ تا ۱۰۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۰۶ تا ۱۰۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۰۸ تا ۱۱۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۱۰ تا ۱۱۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۱۲ تا ۱۱۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۱۴ تا ۱۱۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۱۶ تا ۱۱۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۱۸ تا ۱۲۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۲۰ تا ۱۲۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۲۲ تا ۱۲۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۲۴ تا ۱۲۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۲۶ تا ۱۲۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۲۸ تا ۱۳۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۳۰ تا ۱۳۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۳۲ تا ۱۳۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۳۴ تا ۱۳۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۳۶ تا ۱۳۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۳۸ تا ۱۴۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۴۰ تا ۱۴۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۴۲ تا ۱۴۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۴۴ تا ۱۴۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۴۶ تا ۱۴۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۴۸ تا ۱۵۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۵۰ تا ۱۵۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۵۲ تا ۱۵۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۵۴ تا ۱۵۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۵۶ تا ۱۵۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۵۸ تا ۱۶۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۶۰ تا ۱۶۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۶۲ تا ۱۶۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۶۴ تا ۱۶۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۶۶ تا ۱۶۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۶۸ تا ۱۷۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۷۰ تا ۱۷۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۷۲ تا ۱۷۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۷۴ تا ۱۷۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۷۶ تا ۱۷۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۷۸ تا ۱۸۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۸۰ تا ۱۸۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۸۲ تا ۱۸۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۸۴ تا ۱۸۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۸۶ تا ۱۸۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۸۸ تا ۱۹۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۹۰ تا ۱۹۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۹۲ تا ۱۹۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۹۴ تا ۱۹۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۹۶ تا ۱۹۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۱۹۸ تا ۲۰۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۰۰ تا ۲۰۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۰۲ تا ۲۰۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۰۴ تا ۲۰۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۰۶ تا ۲۰۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۰۸ تا ۲۱۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۱۰ تا ۲۱۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۱۲ تا ۲۱۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۱۴ تا ۲۱۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۱۶ تا ۲۱۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۱۸ تا ۲۲۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۲۰ تا ۲۲۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۲۲ تا ۲۲۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۲۴ تا ۲۲۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۲۶ تا ۲۲۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۲۸ تا ۲۳۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۳۰ تا ۲۳۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۳۲ تا ۲۳۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۳۴ تا ۲۳۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۳۶ تا ۲۳۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۳۸ تا ۲۴۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۴۰ تا ۲۴۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۴۲ تا ۲۴۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۴۴ تا ۲۴۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۴۶ تا ۲۴۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۴۸ تا ۲۵۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۵۰ تا ۲۵۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۵۲ تا ۲۵۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۵۴ تا ۲۵۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۵۶ تا ۲۵۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۵۸ تا ۲۶۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۶۰ تا ۲۶۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۶۲ تا ۲۶۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۶۴ تا ۲۶۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۶۶ تا ۲۶۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۶۸ تا ۲۷۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۷۰ تا ۲۷۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۷۲ تا ۲۷۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۷۴ تا ۲۷۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۷۶ تا ۲۷۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۷۸ تا ۲۸۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۸۰ تا ۲۸۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۸۲ تا ۲۸۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۸۴ تا ۲۸۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۸۶ تا ۲۸۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۸۸ تا ۲۹۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۹۰ تا ۲۹۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۹۲ تا ۲۹۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۹۴ تا ۲۹۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۹۶ تا ۲۹۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۲۹۸ تا ۳۰۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۰۰ تا ۳۰۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۰۲ تا ۳۰۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۰۴ تا ۳۰۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۰۶ تا ۳۰۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۰۸ تا ۳۱۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۱۰ تا ۳۱۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۱۲ تا ۳۱۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۱۴ تا ۳۱۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۱۶ تا ۳۱۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۱۸ تا ۳۲۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۲۰ تا ۳۲۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۲۲ تا ۳۲۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۲۴ تا ۳۲۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۲۶ تا ۳۲۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۲۸ تا ۳۳۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۳۰ تا ۳۳۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۳۲ تا ۳۳۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۳۴ تا ۳۳۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۳۶ تا ۳۳۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۳۸ تا ۳۴۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۴۰ تا ۳۴۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۴۲ تا ۳۴۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۴۴ تا ۳۴۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۴۶ تا ۳۴۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۴۸ تا ۳۵۰  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۵۰ تا ۳۵۲  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۵۲ تا ۳۵۴  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۵۴ تا ۳۵۶  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/۱۵ ساعت ۳۵۶ تا ۳۵۸  
زمان اعلام نتایج: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۵/



















## اطلاعات

## اخلاق کاربردی

## در زندگی، محیط زیست و اشتغال

<b>دکتر قاسم صافی</b>	<b>بخش چهارم</b>
<span></span>	
<div><b>آموزه‌های اخلاقی</b></div>	
خوشبختانه ما در جامعه ایرانی زیربنایی از دین‌ت‌مان داریم و دین ما هشت، رشد فکری مردم است و همان‌طور که ذکر کردیم، ادبیات ما نیز سرشار از منابعی است که برخوردار از اصول اخلاقی است؛ اما تلاش نکرده‌ایم که از این زمینه‌ها به خوبی استفاده کنیم و از آن حال‌تها خود را خارج سازیم. جامعه باید از نظر فکری متحول شود. برای تحو‌لی بنیادی که زمینه تحول‌ی‌های دیگر است، لازم است سرشار از منابعی است که برخوردار از اصول اخلاقی است؛ اما تلاش نکرده‌ایم که از این زمینه‌ها به خوبی استفاده کنیم و از آن حال‌تها خود را خارج سازیم. جامعه باید از نظر فکری متحول شود. برای تحو‌لی بنیادی که زمینه تحول‌ی‌های دیگر است، لازم است	

ان: تحرک به تعمیم متعطف شویم؛ یعنی مطبوعات و رسانه‌ها به جای تحریک احساسات مردم، هدف مردم را متوجه تفکر کنند، در تحول فکری نیز تحول تمام افراد جامعه به فوریت لازم نیست. نخبگانی فکر را می‌دهند، تفکر و استفاده‌ای آن را می‌گیرند و به زبان مردم به مردم منتقل می‌کنند و زمینه ترقی و تحول جامعه را فراهم می‌کنند.

شایان ذکر است که چون آفرینش انسان بر سرشت پاک‌ی و طهارت پدیده شده، هر انسان سالم به آن گرایش خواهد داشت. و اگر انسان در مقابل هر نوع آلودگی واکنشی از خود نشان ندهد، در واقع از جهت روحی و روانی بیمار است. از سوی دیگر طبیعت نیز از انسان آگاه انتظار دارد که در تمیزی و حفظ سلامت آن بکوشد. از این جهت حفظ محیط زیست از مباحث مسلمات عقیده شمرده می‌شود و حفظ آن بر اساس اجماع عقل بشری واجب است و از این روست که مسلمان آلوده‌ترین محیط جامعه انسانی، بر خلاف آن نظری نخواهد داشت.

مطلب یاد شده از این جهت ارزش بیشتری پیدا می‌کند که اگر بخوایم جامعه از لحاظ فکری و علمی، روحانی و مادی، پیشرفت مطلوب و سریع داشته باشد، باید هر گونه موانع را از مسیر رشد و تکامل بشر برداریم و برای او محیط سالم و تمیز مهیا سازیم تا به‌راحتی در راه رسیدن به اهدافی اصلی خود قدم بردارد و همان‌طور که طبیعت هستی به هر گونه وسایل پرورش و رشد انسان‌ها میجهز و خود را در اختیار بشر گذاشته، ما نیز وظیفه داریم در حفظ آن حادکار تلاش کنیم و به کار بندیم. انسان در سایه آلودگی به هیچ مقام علمی و روحانی نخواهد رسید و اگر اتفاقی کسی به مقامی برسد، نفعی به دیگران نمی‌تواند برساند و آلودگی محیط، ذهن‌های او را ه‌در خواهد داد.

ذکر این مطلب بسیار ضروری است که شگوفه‌های استعداد‌های بشر در گرو سلامت محیط زیست است. از این سبب بدون زیرببایست محیط زیست و اشتغال، باید برنامه‌ها طوری طراحی شود که انسان‌ها در آن احساس مال و ناپایدی نکنند. سرشت و فطرت انسانی نیز بر این اساس است که انسان زمانی به فرد یا جامعه اعتبار می‌دهد و اعتماد می‌کنند که‌ه آنها خود را از هر گونه آلودگی و معصیت مصون کرده باشند. از این نظر خداوند در موقع ارسال پیامبر و ا‌زال کتاب خود، آن دو را از هر گونه رجس و شک و شبه پاک کرد و برای عصمت و پاکی آخرین و برجسته‌ترین پیامبر خود می‌فرماید: **«لما یُرید الله لیدبح عنکم الرّجس الی الٰهت و یطهرکم تطهیرا»** و جایی دیگر می‌فرماید: **«و ما یظفر عن الہوی»**؛ در نتیجه اگر خداوند این ویژگی را به پیامبر خود عطا نمی‌کرد، مردم چون به حرف‌های حضرت اعتماد و ایمان کامل نداشتند موقع عمل به دستورهای وی در شک و تردید باقی می‌ماندند و همین امر آنها را در مسیر حق و هدایت و ی‌شکل روبرو می‌کرد.

خداوند متعال برای قرآن مجید نیز همین روند را وضع کرد و فرمود: **«لَکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیْهِ هُدًی لِّلْمُتَّقِیْنَ»**؛ در این کتاب هیچ شک و شبه نیست که این کتاب را از هدایت می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در بیانات خود، دین را بسیار زی‌با تشریح کرده و ضمن آن، عهده دهنده اسلام را مشخص و تعیین کرده است. می‌فرماید: **«الدّینُ یُصمِّمُ»**، دین، انسان را عصمت و پاکی می‌دهد. در جایی دیگر می‌فرماید: **«خوَرُکَ دِیْکَ فَاصْطَلِ لَیْسَکَ بِمَا شِئْتَ»**؛ هر برادر توست آنچه بگذرد داری یا نه به احتیاج کنی. در پرتو این بیانات بر مغز و فکانت حکمت و فلسفه می‌توان گفت: احتیاط شدید در موقع انجام وظایف دینی، در واقع احتیاط شدید در امور پاک‌ی و طهارت است. جملات برگزیم: اساسا هدف اسلام از دستورهای شرعی، ایجاد پاک‌ی و طهارت است. چه درونی باشد یا بیرونی؛ پدیده‌ای که برای انسانی، از این جهت همه احکام الهی در زمره وسیله قرار می‌گیرند نه اصل هدف.

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: **«اِنَّ الصّٰلٰوةَ تَهْیِی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنْكَرِ»** نماز شما را از فحشا و زشتی‌ها بازمی‌دارد. به این آیه شریفه آنچه مطلوب و منظور است، حفظ انسان از زشتی‌ها و ناپاکی‌هاست، و نماز برای رسیدن به آن هدف، وسیله و پله است. حال روشن می‌شود که چرا نماز بزرگترین و بالاترین عبادت در دین شمرده شده است. این اثر پادشاه خیرات است که چون نماز انسان را در به دست آوردن سرشت انسانی که بنای آن بر پاک‌ی و طهارت است کمک می‌کند، لذا خداوند به آن ارزش و اهمیت زیادی داده است.

**پاروهای عمومی**

بدون تردید مؤمن و عابد که قاعداً با هدف و غایت عبادت آشناست، باید بکوشد که اصول اخلاقی را از قبیل صداقت و راستگویی، و انصاف و برابری، و امانت‌داری، و وفاداری، احساس مسئولیت اجتماعی، تخصص‌گرایی و پیشگویی و یک پیشگی نگاشتن و جز آن، به نمایش گذارد. به واقع حفظ زیست یک مسئولیت مهمانی و عفت و هوا و خاک نور آلوده و آ‌های عمومی و به طور کلی منابع محیط زیست، از مشترکات همه می‌هاکن قرن دارند از آن استفاده منظم و صحیح کنند. بدیهی است که حفظ این حقوق یعنی شای نگه‌داشتن محیط زیست، نباید بهانه‌ای برای محدود کردن تصرف مالکانه و غیر مصر به اشخاص در اموال و امکانات خود.

باید توجه داشت باشم که باورهای عمومی، قدرتمندتر از قوانین فرموده دولتهاست و ارائه یک چارچوب اخلاقی برای زندگی پایدار که بتواند در زمینه‌های فرهنگی مختلف اجرا شود، ضرورت دارد. بهزیی در تعریف‌نامه اخلاقی برای زندگی پایدار در کره زمین توضیح می‌دهد که: زهر انسان بخشی از مجموعه حیات است که از تمام موجودات زنده تشکیل شده و این مجموعه، تمام اجتماعات انسانی، تنسهای حاضر و آن دیگر بخشهای طبیعت را هم می‌پوند می‌دهد و مجموعه حیات او در بر گزیده تنوع فرهنگی طبیعی نیز هست. همه انسان‌ها حقوق اصولی و برابر دارند که شامل زندگی، امنیت، فکری، آزادی بیان و تشکیل اجتماعات و گروه‌های ملی، ملیت‌آمیز است که از جهت طبیعی و وجه اخلاقی باید باور کنیم که بخش لاینفکی از یک کل واحدند که همه چیز آن به هم مربوط است و هر که باید مسئولیت پیامد فعالیت‌های خود را در طبیعت قبول کند و توسعه جامعه نباید امکانات دیگران و تنسهای بعد از محدود کند.»

و باید توجه داشته باشیم که نظم اخلاقی فردی و اجتماعی بین ملل و اقوام مختلف در پاره‌ای از موارد متفاوت است. در کشوری که نظم حکومتی مذهبی نیست و نظام اخلاقی‌اش فارغ از دین است، نظم و رفتار، ازسبب اخلاقی و پسندیده جلوه می‌کند در حالی که ممکن است آن عمل در کشوری که مبتنی بر تعلیم مذهبی اداره می‌شود، ضد اخلاق تصور می‌شود؛ لذا ارائه ملاک نهایی و ترسیم جدول ارزش‌ها و ضد ارائه اولیه ارائه الگوی اخلاقی، شرط لازم مفید بودن اخلاقی است، با این آید که علم اخلاق باید بتواند با ارائه شاخص‌ها و ملاک‌های معینی، تکلیف اخلاقی افراد را در انجام رفتار خاص مثل تشویق و ارتقا تعیین کند.

داشتمندان به این نتیجه رسیدیم‌اند که رعایت اخلاق در رشد فناوری و اصول زیست‌محیطی یکی از مهمترین نکات مورد توجه در علم ژنتیک است و علم عبراتی دیگر، اگر رشد فناوری و رعایت مبانی اخلاق زیستی همراه باشند به مراتب نتایج بهتری حاصل خواهد شد. بقراط مؤسس است: همان‌طور که چنین سالم در زمان سالم، رشد سالم خواهد داشت، محیط‌زیست را هم باید سالم نگه داشت. محیط سالم و تمیز، سطح قیود انسان را بالا می‌برد و انسان در محیط آلوده نمی‌تواند از هر نوع استفاده‌ای که دارد به نحو مطلوب استفاده کند.

بنابراین آموزش اخلاق حرفه‌ای از ارکان مهم برنامه‌ریزی و مدیریت رشته‌های دانشگاهی و کارگاه‌های آموزشی باید باشند و هدف اولیه آموزش، ارتقای دانش و آگاهی جامعه و تئور افکار عمومی نسبت به محیط زیست و چگونگی اشتغال و آثار پیامد فعالیت‌های مخرب مختلف انسان نتیجه آن بر افت کیفیت محیط و روش‌های کاهش این گونه پیامدهای مخرب است.

**ادامه دارد**

### مقدمه

اشاره: استاد شهید مرحوم آیت‌الله مطهری در کتاب «اسلام و نیازهای زمان» (جلد اول)، در ضمن بحث از جریاناتی که به نام اسلام با هر پدیده نوظهور اجتماعی سیاسی مخالفت می‌کردند، از تفکر منسوب به خوارج نیز تبارخیزگری می‌برد و سپس به طرح موضوع «مشروطیت» می‌پردازند. از منظر استاد مطهری، مخالفان مشروطه، قطع نظر از بزرگانی همچون شیخ فضل‌الله نوری که دست‌های پیدا و پنهان داخلی و خارجی را در پشت صحنه مشروطه‌طلبی می‌دیدند - از سر جمود و تججر و همان‌طور که ذکر کردیم، ادبیات ما نیز سرشار از منابعی است که برخوردار از اصول اخلاقی است؛ اما تلاش نکرده‌ایم که از این زمینه‌ها به خوبی استفاده کنیم و از آن حال‌تها خود را خارج سازیم. جامعه باید از نظر فکری متحول شود. برای تحو‌لی بنیادی که زمینه تحول‌ی‌های دیگر است، لازم است

ان: تحرک به تعمیم متعطف شویم؛ یعنی مطبوعات و رسانه‌ها به جای تحریک احساسات مردم، هدف مردم را متوجه تفکر کنند، در تحول فکری نیز تحول تمام افراد جامعه به فوریت لازم نیست. نخبگانی فکر را می‌دهند، تفکر و استفاده‌ای آن را می‌گیرند و به زبان مردم به مردم منتقل می‌کنند و زمینه ترقی و تحول جامعه را فراهم می‌کنند.

شایان ذکر است که چون آفرینش انسان بر سرشت پاک‌ی و طهارت پدیده شده، هر انسان سالم به آن گرایش خواهد داشت. و اگر انسان در مقابل هر نوع آلودگی واکنشی از خود نشان ندهد، در واقع از جهت روحی و روانی بیمار است. از سوی دیگر طبیعت نیز از انسان آگاه انتظار دارد که در تمیزی و حفظ سلامت آن بکوشد. از این جهت حفظ محیط زیست از مباحث مسلمات عقیده شمرده می‌شود و حفظ آن بر اساس اجماع عقل بشری واجب است و از این روست که مسلمان آلوده‌ترین محیط جامعه انسانی، بر خلاف آن نظری نخواهد داشت.

مطلب یاد شده از این جهت ارزش بیشتری پیدا می‌کند که اگر بخوایم جامعه از لحاظ فکری و علمی، روحانی و مادی، پیشرفت مطلوب و سریع داشته باشد، باید هر گونه موانع را از مسیر رشد و تکامل بشر برداریم و برای او محیط سالم و تمیز مهیا سازیم تا به‌راحتی در راه رسیدن به اهدافی اصلی خود قدم بردارد و همان‌طور که طبیعت هستی به هر گونه وسایل پرورش و رشد انسان‌ها میجهز و خود را در اختیار بشر گذاشته، ما نیز وظیفه داریم در حفظ آن حادکار تلاش کنیم و به کار بندیم. انسان در سایه آلودگی به هیچ مقام علمی و روحانی نخواهد رسید و اگر اتفاقی کسی به مقامی برسد، نفعی به دیگران نمی‌تواند برساند و آلودگی محیط، ذهن‌های او را ه‌در خواهد داد.

ذکر این مطلب بسیار ضروری است که شگوفه‌های استعداد‌های بشر در گرو سلامت محیط زیست است. از این سبب بدون زیرببایست محیط زیست و اشتغال، باید برنامه‌ها طوری طراحی شود که انسان‌ها در آن احساس مال و ناپایدی نکنند. سرشت و فطرت انسانی نیز بر این اساس است که انسان زمانی به فرد یا جامعه اعتبار می‌دهد و اعتماد می‌کنند که‌ه آنها خود را از هر گونه آلودگی و معصیت مصون کرده باشند. از این نظر خداوند در موقع ارسال پیامبر و ا‌زال کتاب خود، آن دو را از هر گونه رجس و شک و شبه پاک کرد و برای عصمت و پاکی آخرین و برجسته‌ترین پیامبر خود می‌فرماید: **«لما یُرید الله لیدبح عنکم الرّجس الی الٰهت و یطهرکم تطهیرا»** و جایی دیگر می‌فرماید: **«و ما یظفر عن الہوی»**؛ در نتیجه اگر خداوند این ویژگی را به پیامبر خود عطا نمی‌کرد، مردم چون به حرف‌های حضرت اعتماد و ایمان کامل نداشتند موقع عمل به دستورهای وی در شک و تردید باقی می‌ماندند و همین امر آنها را در مسیر حق و هدایت و ی‌شکل روبرو می‌کرد.

خداوند متعال برای قرآن مجید نیز همین روند را وضع کرد و فرمود: **«لَکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیْهِ هُدًی لِّلْمُتَّقِیْنَ»**؛ در این کتاب هیچ شک و شبه نیست که این کتاب را از هدایت می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در بیانات خود، دین را بسیار زی‌با تشریح کرده و ضمن آن، عهده دهنده اسلام را مشخص و تعیین کرده است. می‌فرماید: **«الدّینُ یُصمِّمُ»**، دین، انسان را عصمت و پاکی می‌دهد. در جایی دیگر می‌فرماید: **«خوَرُکَ دِیْکَ فَاصْطَلِ لَیْسَکَ بِمَا شِئْتَ»**؛ هر برادر توست آنچه بگذرد داری یا نه به احتیاج کنی. در پرتو این بیانات بر مغز و فکانت حکمت و فلسفه می‌توان گفت: احتیاط شدید در موقع انجام وظایف دینی، در واقع احتیاط شدید در امور پاک‌ی و طهارت است. جملات برگزیم: اساسا هدف اسلام از دستورهای شرعی، ایجاد پاک‌ی و طهارت است. چه درونی باشد یا بیرونی؛ پدیده‌ای که برای انسانی، از این جهت همه احکام الهی در زمره وسیله قرار می‌گیرند نه اصل هدف.

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: **«اِنَّ الصّٰلٰوةَ تَهْیِی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنْكَرِ»** نماز شما را از فحشا و زشتی‌ها بازمی‌دارد. به این آیه شریفه آنچه مطلوب و منظور است، حفظ انسان از زشتی‌ها و ناپاکی‌هاست، و نماز برای رسیدن به آن هدف، وسیله و پله است. حال روشن می‌شود که چرا نماز بزرگترین و بالاترین عبادت در دین شمرده شده است. این اثر پادشاه خیرات است که چون نماز انسان را در به دست آوردن سرشت انسانی که بنای آن بر پاک‌ی و طهارت است کمک می‌کند، لذا خداوند به آن ارزش و اهمیت زیادی داده است.

**پاروهای عمومی**

بدون تردید مؤمن و عابد که قاعداً با هدف و غایت عبادت آشناست، باید بکوشد که اصول اخلاقی را از قبیل صداقت و راستگویی، و انصاف و برابری، و امانت‌داری، و وفاداری، احساس مسئولیت اجتماعی، تخصص‌گرایی و پیشگویی و یک پیشگی نگاشتن و جز آن، به نمایش گذارد. به واقع حفظ زیست یک مسئولیت مهمانی و عفت و هوا و خاک نور آلوده و آ‌های عمومی و به طور کلی منابع محیط زیست، از مشترکات همه می‌هاکن قرن دارند از آن استفاده منظم و صحیح کنند. بدیهی است که حفظ این حقوق یعنی شای نگه‌داشتن محیط زیست، نباید بهانه‌ای برای محدود کردن تصرف مالکانه و غیر مصر به اشخاص در اموال و امکانات خود.

باید توجه داشت باشم که باورهای عمومی، قدرتمندتر از قوانین فرموده دولتهاست و ارائه یک چارچوب اخلاقی برای زندگی پایدار که بتواند در زمینه‌های فرهنگی مختلف اجرا شود، ضرورت دارد. بهزیی در تعریف‌نامه اخلاقی برای زندگی پایدار در کره زمین توضیح می‌دهد که: زهر انسان بخشی از مجموعه حیات است که از تمام موجودات زنده تشکیل شده و این مجموعه، تمام اجتماعات انسانی، تنسهای حاضر و آن دیگر بخشهای طبیعت را هم می‌پوند می‌دهد و مجموعه حیات او در بر گزیده تنوع فرهنگی طبیعی نیز هست. همه انسان‌ها حقوق اصولی و برابر دارند که شامل زندگی، امنیت، فکری، آزادی بیان و تشکیل اجتماعات و گروه‌های ملی، ملیت‌آمیز است که از جهت طبیعی و وجه اخلاقی باید باور کنیم که بخش لاینفکی از یک کل واحدند که همه چیز آن به هم مربوط است و هر که باید مسئولیت پیامد فعالیت‌های خود را در طبیعت قبول کند و توسعه جامعه نباید امکانات دیگران و تنسهای بعد از محدود کند.»

و باید توجه داشته باشیم که نظم اخلاقی فردی و اجتماعی بین ملل و اقوام مختلف در پاره‌ای از موارد متفاوت است. در کشوری که نظم حکومتی مذهبی نیست و نظام اخلاقی‌اش فارغ از دین است، نظم و رفتار، ازسبب اخلاقی و پسندیده جلوه می‌کند در حالی که ممکن است آن عمل در کشوری که مبتنی بر تعلیم مذهبی اداره می‌شود، ضد اخلاق تصور می‌شود؛ لذا ارائه ملاک نهایی و ترسیم جدول ارزش‌ها و ضد ارائه اولیه ارائه الگوی اخلاقی، شرط لازم مفید بودن اخلاقی است، با این آید که علم اخلاق باید بتواند با ارائه شاخص‌ها و ملاک‌های معینی، تکلیف اخلاقی افراد را در انجام رفتار خاص مثل تشویق و ارتقا تعیین کند.

داشتمندان به این نتیجه رسیدیم‌اند که رعایت اخلاق در رشد فناوری و اصول زیست‌محیطی یکی از مهمترین نکات مورد توجه در علم ژنتیک است و علم عبراتی دیگر، اگر رشد فناوری و رعایت مبانی اخلاق زیستی همراه باشند به مراتب نتایج بهتری حاصل خواهد شد. بقراط مؤسس است: همان‌طور که چنین سالم در زمان سالم، رشد سالم خواهد داشت، محیط‌زیست را هم باید سالم نگه داشت. محیط سالم و تمیز، سطح قیود انسان را بالا می‌برد و انسان در محیط آلوده نمی‌تواند از هر نوع استفاده‌ای که دارد به نحو مطلوب استفاده کند.

بنابراین آموزش اخلاق حرفه‌ای از ارکان مهم برنامه‌ریزی و مدیریت رشته‌های دانشگاهی و کارگاه‌های آموزشی باید باشند و هدف اولیه آموزش، ارتقای دانش و آگاهی جامعه و تئور افکار عمومی نسبت به محیط زیست و چگونگی اشتغال و آثار پیامد فعالیت‌های مخرب مختلف انسان نتیجه آن بر افت کیفیت محیط و روش‌های کاهش این گونه پیامدهای مخرب است.

زمان خودمان را فرض می‌کنیم؛ یعنی یک کشور اسلامی را فرض می‌کنیم که در آن مردم مستعبد هستند، یعنی می‌فهمند که مشروطیت یعنی چه، چون در آن مرقع اغلب مردم نمی‌دانستند که مشروطیت چیست. مستعد نبودن ملت یعنی اینکه نمی‌فهمید. ما می‌خواهیم فرض کنیم یک کشوری را که مردمش می‌فهمند. همچنین فرض کنیم که عوامل خارجی وجود ندارد، سونیتی در کار نیست، آیا مشروطیت با قانون اسلام انطباق دارد یا نه؟ بعضی‌ها از همین نظر مجزء، قطع نظر از عوامل خارجی می‌گویند مشروطیت برخلاف دین اسلام است، یعنی دین اسلام با مشروطیت سازگار نیست. ناچار باید بگویند با استبداد سازگار است یا لاقا با استبداد سازگار تر است. چرا؟ تا تعریف نشود که مشروطیت چیست، نمی‌شود بحث کرد.

**تعریف مشروطیت**
معنای مشروطیت این است که مملکت احتیاج به یک سلسله تصمیمات دارد؛ یعنی مملکت احتیاج دارد به حکومت، یعنی دستگاهی که مجموعاً امر مملکت را اداره کند؛ چنان که یک مؤسسه فرهنگی یا یک شرکت تجارتی احتیاج به مدیر یا هیأت مدیره دارد. حرف اول این است که هر مملکتی احتیاج به جمعی دارد که اداره‌کننده مشروطیت آن است

## مشروطیت

مشروطیت به ایران آمد. مردم ایران را به دو قسم متقسم کرد: گروهی طرفدار استبداد و گروهی طرفدار مشروطیت. هم سیاسیون منقسم شدند و هم روحانیون، آنها روحانیون بزرگ، عده‌ای حامی مشروطیت شدند و سخت از آن حمایت کردند و عده‌ای دیگر با مشروطیت مخالفت کردند، به طوری که مخصوصاً مخالفین در هر‌جا که بودند، در هردهای علمیه، فضلا، مدرسین و طلابی را که طرفدار مشروطیت بودند، از خود نمی‌دانستند؛ یعنی اگر می‌فهمیدند فلاّن شخص طرفدار مشروطیت است، به هیچ‌وجه به او شهریه نمی‌دادند. کم‌کم کار به جایی رسید که هر دسته، دسته دیگر را تکفیر و تنقیص می‌کردند و واقعا فتنه بزرگی در دنیای روحانیت و وجود آمد. چون موضوع این‌جور نبود که مثلاً سیاسیون مملکت طرفدار یک فکر باشند و روحانیون همه طرفدار فکر دیگر، بلکه خود روحانیون منقسم به دو دسته شدند؛ بعضی طرفدار مشروطیت و بعضی مخالف. در اینجا من قبل از اینکه در این موضوع بحث کنم، نکته‌ای را تذکر می‌دهم: در جریان مشروطیت دو قوانین الهی است که ما به یکی از آنها کار نداریم و روی دیگری بحث می‌کنیم. یکی این است که از نظر اجتماعی و سیاسی چه عواملی در ایجاد مشروطیت ایران دخالت داشت و چه عوامل (عوامل سیاسی خارجی) مخالف بود؟ به طور قطع سیاست‌های بزرگ آن روز دنیا روی مشروطیت و استبداد نظر داشتند؛ یعنی یکی از سیاست‌های بزرگ آن روز دنیا طرفدار مشروطیت بود و دیگری که سیاست‌های بزرگ آن روز دنیا طرفدار مشروطیت بود، یک سوسیالیست می‌کرد مشروطیت در ایران ایجاد بشود، و یک سوسیال بزرگ دیگر دنیا از استبداد حمایت می‌کرد و کوششی می‌کرد که جلو مشروطیت را بگیرد، چرا؟ برای اینکه آن که طرفدار مشروطیت بود، می‌خواست بعد از مشروطیت سیاست خودش را بر ایران تحمیل کند (کما اینکه همین کار را کرد) و آن که مخالف بود، نفوذی داشت و می‌خواست جلو نفوذ رقیب را بگیرد. بنابراین اگر کسانی با مشروطیت مخالف بودند، از این نظر بود که دست‌های خارجی را می‌دیدند و می‌دانستند و پیش‌بینی می‌کردند که منظور، مشروطیت واقعی نیست، بلکه یک سیاست خارجی دیگری در کار است. یا اگر کسی مخالف استبداد بود، از آن جهت بود که آن سیاست‌های را که طرفدار استبداد بودند، می‌شناخت و ضررها و خسای آنها را می‌دانست.

**مواقف و مخالفان مشروطیت**

مرد بزرگی مثل مرحوم آخوند خراسانی سخت حامی مشروطیت بود و واقعا این مقدار که بنده تحقیق کرده‌ام، مرحوم آخوند خراسانی یکی از بزرگان علمای شیعه بوده است و می‌شود گفت که مشروطیت برای شیعه مدرسی به‌خوبی مرحوم آخوند نیامده است. حوزه درس هزار و دویست نفری داشته است و شاید سیصد نفر مجتهد مسلم پای درس این مرد می‌نشسته‌اند و ایشان قاعده را باایمان و باتقوایی بوده است. در اینکه این مرد مت‌های حسن نیت را داشته است، شکّی نیست. حالا اگر کسی گفت «ما در مشروطیت مخالف، می‌فهمیم» این نیست که -العیاذ بالله - مرحوم آخوند را تخطئه می‌کند.

♦♦♦
**«معنای قانون اسلامی این نیست که مردم در تمام جزئیات زندگی خود ببینند که در قرآن یا سنت این‌کم چگونه بیان شده است؛ مثلاً وسایل نقلیه جدیدی به کار می‌آید و باید قوانینی داشته باشد که وضع رانندگی را منظم کند. اینها جزء اموری است که اسلام آنها را به خود مردم تفویض کرده است**

♦♦♦
از آن طرف، در رأس مخالفین یک قفیه بسیار بزرگی بود مثل مرحوم آقا سید کاظم یزدی که در قناعت از نظر بود، اگر کسی با استبداد مخالف و طرفدار مشروطیت باشد، معنایش این نیست که مرحوم یزدی را تخطئه می‌کند. شاید مرحوم یزدی که مخالف با مشروطیت بود، می‌دانست که مبنای خنری دخالت دارد و بعد هم چنین و چنان می‌شود. بنابراین بحث تصویب یا تخطئه علمای بزرگ نیست؛ چون موضوع یک جهت ندارد. اگر موضوع مشروطیت و استبداد یک مسأله علمی بود، یک حرفی بود. مسأله‌ای بوده که عوامل زیادی در آن دخالت داشته است. از آن اینکه کدام دست سیاست چه داخلی داشته است، صرف‌نظر می‌کنیم با مخالف و موافق کاری نداریم. قرآن هم نشان می‌دهد کسانی که مخالف با مشروطیت بودند، می‌گفتند این مشروطیت که می‌خواهد بیاید، غیر از آن مشروطیتی است که دارند صحبتش را می‌کنند، مشروطوه مشروطوه، به اصطلاح نیست و نخواهد آمد. مانند مرحوم شیخ فضل‌الله نوری.

به هر حال یک چنین جریانی به وجود آمد و چه حوادث تلخ و خوشینی به وجود آورد؛ مجتهدین کشته شدند، مردم مانند آقا شیخ فضل‌الله نوری به بار زده شد. این یک امر کوچکی نیست؛ مرحوم نوری مرد بزرگی بود، مجتهد مسلم و تا حدودی که شنیده‌ایم، مرد بسیار پاک و باتقوا و عادل بود، مجتهد مسلمان‌العادل و عادل مسلم الاجتهاد بود.

ما مطلب را از یک زاویه به‌تخصص می‌خواهیم مطالعه کنیم؛ یعنی آن را تفکیک می‌کنیم از عوامل خارجی و از این جهت که آیا ایران آن روز مستعبد مشروطیت بود یا نبود. جایی غیر از مملکت دشمنان و زمانی غیر از

این هنگامی که روس‌های تهران محمداخان قاجار بر تخت سلطنت پایتخت شسب، نامش بر تخت سلطنت اقتدار و مرحله جدیدی از تاریخ شهوری آغاز شد که در د‌لش هزاران قفسه کافت‌ه و ناآشنیده جلد دارد. آیین قصه‌ها لایالی هرج و مرج، تازاری‌ها، رفت و آمد فرنگی‌ها، سفرهای بی‌دری رجال به اروپا، چپاول و تجاوزهای کشورهای دست‌نمنا، جنگ و نزاع‌های داخلی و خارجی و بذل و بخشش‌های سلطنتی سر به مهر پایان یافت و تنها برخی از حکایات به دست مورخان نگاشته شد.

مؤلف در اثر حاضر سعی کرده است با توجه به سابقه کار در مطبوعات درباره تهران قدیم، یک گردآوری از اسناد، گزارش‌های مدنی و مصاحبه و گفتگو با افراد مشهور و صاحب‌نام در این عرصه – درآمده است.

مؤلف در اثر حاضر سعی کرده است با توجه به سابقه کار در مطبوعات درباره تهران قدیم، یک گردآوری از اسناد، گزارش‌های مدنی و مصاحبه و گفتگو با افراد مشهور و صاحب‌نام در این عرصه – درآمده است.

### نظرها و اندیشه‌ها

«مشروطه» معنایش این است که یک عده تصمیم بگیرند و عده دیگر اجرا کنند، و باید آ‌هایی که تصمیم می‌گیرند، خود مردم انتخابشان کرده باشند. نمایندگان مردم تصمیم بگیرند، هیأت دولت اجرا کند. و تازه هیأت دولت را هم باید نمایندگان تعیین کرده باشند تا در نتیجه همه چیز را مردم تعیین کرده باشند و در واقع مردم خودشان بر خودشان حکومت کرده باشند.

ولی مخالفین مشروطه می‌گفتند: خیر، شما اینجا مغالطه می‌کنید و می‌گویید معنای استبداد این است که یک نفر تصمیم بگیرد و او هم اجرا کند و معنای مشروطیت این است که نمایندگان مردم تصمیم بگیرند و هیأت دولت اجرا کند. اینجا صرف تصمیم نیست؛ اگر صرف تصمیم بود، ما مخالف نبودیم، و راست هم می‌گفتند. می‌گفتند اگر مشروطیت این‌طور بود که مردم نمایندگان را انتخاب می‌کردند که نمایندگان قوه مجریه را انتخاب کنند، و نیز نمایندگان تصمیم بگیرند، هیأت دولت هم اجرا کند؛ ولی این تصمیم برای این باشد که ببینند قانون خدا چه گفته است و قانون دیگر وضع نکنند، هرچه قانون خدا گفته است، مطابق آن تصمیم بگیرند و دولت را موظف به اجرای آن کنند. خوب بود؛ اما مشروطیت که این نیست، شما کی کلمه شگفتی را به کار می‌برید برای اغفال ما.

## گفتاری از استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری

♦♦♦
مشروطیت ایران دخالت داشت و چه عوامل (عوامل سیاسی خارجی) مخالف بود؟ به طور قطع سیاست‌های بزرگ آن روز دنیا روی مشروطیت و استبداد نظر داشتند؛ یعنی یکی از سیاست‌های بزرگ آن روز دنیا طرفدار مشروطیت بود و دیگری که سیاست‌های بزرگ آن روز دنیا طرفدار مشروطیت بود، یک سوسیالیست می‌کرد مشروطیت در ایران ایجاد بشود، و یک سوسیال بزرگ دیگر دنیا از استبداد حمایت می‌کرد و کوششی می‌کرد که جلو مشروطیت را بگیرد، چرا؟ برای اینکه آن که طرفدار مشروطیت بود، می‌خواست بعد از مشروطیت سیاست خودش را بر ایران تحمیل کند (کما اینکه همین کار را کرد) و آن که مخالف بود، نفوذی داشت و می‌خواست جلو نفوذ رقیب را بگیرد. بنابراین اگر کسانی با مشروطیت مخالف بودند، از این نظر بود که دست‌های خارجی را می‌دیدند و می‌دانستند و پیش‌بینی می‌کردند که منظور، مشروطیت واقعی نیست، بلکه یک سیاست خارجی دیگری در کار است. یا اگر کسی مخالف استبداد بود، از آن جهت بود که آن سیاست‌های را که طرفدار استبداد بودند، می‌شناخت و ضررها و خسای آنها را می‌دانست.

**مواقف و مخالفان مشروطیت**
مرد بزرگی مثل مرحوم آخوند خراسانی سخت حامی مشروطیت بود و واقعا این مقدار که بنده تحقیق کرده‌ام، مرحوم آخوند خراسانی یکی از بزرگان علمای شیعه بوده است و می‌شود گفت که مشروطیت برای شیعه مدرسی به‌خوبی مرحوم آخوند نیامده است. حوزه درس هزار و دویست نفری داشته است و شاید سیصد نفر مجتهد مسلم پای درس این مرد می‌نشسته‌اند و ایشان قاعده را باایمان و باتقوایی بوده است. در اینکه این مرد مت‌های حسن نیت را داشته است، شکّی نیست. حالا اگر کسی گفت «ما در مشروطیت مخالف، می‌فهمیم» این نیست که -العیاذ بالله - مرحوم آخوند را تخطئه می‌کند.



مملکت باشند. اگر ما گفتیم خیر، اساساً وجود مدیر یا هیأت مدیره خطاست و نباید باشد، کلمه شگفتی است، ولی در کردیم و هم استبداد راه چون استبداد معنایش این است که یک فرد حکومت می‌کند، مشروطیت شکل دیگر است. پس استبدادش غلط است، مشروطیتش هم غلط است. اگر بگوییم چرا؟ می‌گویند مملکت همین‌قدر که دین داشته باشد، دین مردم را بی‌نیاز می‌کند از اینکه حکومت داشته باشند.

اتفاقاً این همان حرفی است که خوارج می‌گفتند. آنها می‌گفتند: **«لا حکم الاّ بالله»**، در نهج‌البلاغه، حضرت علی<sup>ع</sup> در مورد این سخن می‌فرماید: **«کلمه حق بُرّاد بها الباطل»** این حرف درستی است، اما این‌جور که آنها قصد می‌کنند، غلط است. **«لا حکم الاّ الله»**؛ حکم از ناحیه خدا باید باشد، حرف درستی است؛ اما اینها این حرف درست را در مورد غلط به کار می‌برند. و **لکنّ هؤلاء یقولون: لا افرء الاّ الله**، یعنی ابی‌میری مردم باید با خدا باشند، این که نمی‌شود. و **لا یدلّ للناس من امیر برّو ناجیر**؛ مردم احتیاج به امیر و حاکم دارند، حالا یا خوب باشد یا بد؛ یعنی در درجه اول باید خوب باشد و در درجه دوم بد بودنش از بودنش بهتر است؛ یعنی وجود قانون - و قانون دینی - منفع و کفایت‌کننده از اینکه مردم حکومت داشته باشند، نیست. و لهذا مسأله خلافت را هم ما می‌شهوا و هم سنی‌ها هر دو قبول داریم. حتی خوارج هم ابتدا گفتند که احتیاج به خلیفه ندارند، ولی بعد خودشان آمدند با یک خلیفه بیعت کردند. پس شیعه و سنی در این جهت اتفاق دارند که دین‌داشتن معنایش این نیست که حالا که می‌داریم، پس دیگر حکومت لازم نیست. هر دو می‌گویند حکومت می‌خواهیم، منت‌ها در حکومت بعد از پیغمبر<sup>ص</sup>، سنی‌ها از یک راه رفتند و شیعه‌ها گفتند کسی این است که پیغمبر از آن تعیین کرده باشد.

فرض دوم این است: حالا که ما احتیاج به حکومت داریم، آیا احتیاج داریم به اینکه به یک تعبیر یک عده تصمیم بگیرند و دیگران اجرا کنند یا نه، همان کسی که تصمیم می‌گیرد، اجرا هم بکند؟ «استبداد» معنایش این است که همان کسی که تصمیم می‌گیرد، اجرا هم بکند.

این هنگامی که روس‌های تهران محمداخان قاجار بر تخت سلطنت پایتخت شسب، نامش بر تخت سلطنت اقتدار و مرحله جدیدی از تاریخ شهوری آغاز شد که در د‌لش هزاران قفسه کافت‌ه و ناآشنیده جلد دارد. آیین قصه‌ها لایالی هرج و مرج، تازاری‌ها، رفت و آمد فرنگی‌ها، سفرهای بی‌دری رجال به اروپا، چپاول و تجاوزهای کشورهای دست‌نمنا، جنگ و نزاع‌های داخلی و خارجی و بذل و بخشش‌های سلطنتی سر به مهر پایان یافت و تنها برخی از حکایات به دست مورخان نگاشته شد.

مؤلف در اثر حاضر سعی کرده است با توجه به سابقه کار در مطبوعات درباره تهران قدیم، یک گردآوری از اسناد، گزارش‌های مدنی و مصاحبه و گفتگو با افراد مشهور و صاحب‌نام در این عرصه – درآمده است.

مؤلف در اثر حاضر سعی کرده است با توجه به سابقه کار در مطبوعات درباره تهران قدیم، یک گردآوری از اسناد، گزارش‌های مدنی و مصاحبه و گفتگو با افراد مشهور و صاحب‌نام در این عرصه – درآمده است.

«مشروطه» معنایش این است که یک عده تصمیم بگیرند و عده دیگر اجرا کنند، و باید آ‌هایی که تصمیم می‌گیرند، خود مردم انتخابشان کرده باشند. نمایندگان مردم تصمیم بگیرند، هیأت دولت اجرا کند. و تازه هیأت دولت را هم باید نمایندگان تعیین کرده باشند تا در نتیجه همه چیز را مردم تعیین کرده باشند و در واقع مردم خودشان بر خودشان حکومت کرده باشند.

ولی مخالفین مشروطه می‌گفتند: خیر، شما اینجا مغالطه می‌کنید و می‌گویید معنای استبداد این است که یک نفر تصمیم بگیرد و او هم اجرا کند و معنای مشروطیت این است که نمایندگان مردم تصمیم بگیرند و هیأت دولت اجرا کند. اینجا صرف تصمیم نیست؛ اگر صرف تصمیم بود، ما مخالف نبودیم، و راست هم می‌گفتند. می‌گفتند اگر مشروطیت این‌طور بود که مردم نمایندگان را انتخاب می‌کردند که نمایندگان قوه مجریه را انتخاب کنند، و نیز نمایندگان تصمیم بگیرند، هیأت دولت هم اجرا کند؛ ولی این تصمیم برای این باشد که ببینند قانون خدا چه گفته است و قانون دیگر وضع نکنند، هرچه قانون خدا گفته است، مطابق آن تصمیم بگیرند و دولت را موظف به اجرای آن کنند. خوب بود؛ اما مشروطیت که این نیست، شما کی کلمه شگفتی را به کار می‌برید برای اغفال ما.

اتفاقاً این همان حرفی است که خوارج می‌گفتند. آنها می‌گفتند: **«لا حکم الاّ بالله»**، در نهج‌البلاغه، حضرت علی<sup>ع</sup> در مورد این سخن می‌فرماید: **«کلمه حق بُرّاد بها الباطل»** این حرف درستی است، اما این‌جور که آنها قصد می‌کنند، غلط است. **«لا حکم الاّ الله»**؛ حکم از ناحیه خدا باید باشد، حرف درستی است؛ اما اینها این حرف درست را در مورد غلط به کار می‌برند. و **لکنّ هؤلاء یقولون: لا افرء الاّ الله**، یعنی ابی‌میری مردم باید با خدا باشند، این که نمی‌شود. و **لا یدلّ للناس من امیر برّو ناجیر**؛ مردم احتیاج به امیر و حاکم دارند، حالا یا خوب باشد یا بد؛ یعنی در درجه اول باید خوب باشد و در درجه دوم بد بودنش از بودنش بهتر است؛ یعنی وجود قانون - و قانون دینی - منفع و کفایت‌کننده از اینکه مردم حکومت داشته باشند، نیست. و لهذا مسأله خلافت را هم ما می‌شهوا و هم سنی‌ها هر دو قبول داریم. حتی خوارج هم ابتدا گفتند که احتیاج به خلیفه ندارند، ولی بعد خودشان آمدند با یک خلیفه بیعت کردند. پس شیعه و سنی در این جهت اتفاق دارند که دین‌داشتن معنایش این نیست که حالا که می‌داریم، پس دیگر حکومت لازم نیست. هر دو می‌گویند حکومت می‌خواهیم، منت‌ها در حکومت بعد از پیغمبر<sup>ص</sup>، سنی‌ها از یک راه رفتند و شیعه‌ها گفتند کسی این است که پیغمبر از آن تعیین کرده باشد.

فرض دوم این است: حالا که ما احتیاج به حکومت داریم، آیا احتیاج داریم به اینکه به یک تعبیر یک عده تصمیم بگیرند و دیگران اجرا کنند یا نه، همان کسی که تصمیم می‌گیرد، اجرا هم بکند؟ «استبداد» معنایش این است که همان کسی که تصمیم می‌گیرد، اجرا هم بکند.

این هنگامی که روس‌های تهران محمداخان قاجار بر تخت سلطنت پایتخت شسب، نامش بر تخت سلطنت اقتدار و مرحله جدیدی از تاریخ شهوری آغاز شد که در د‌لش هزاران قفسه کافت‌ه و ناآشنیده جلد دارد. آیین قصه‌ها لایالی هرج و مرج، تازاری‌ها، رفت و آمد فرنگی‌ها، سفرهای بی‌دری رجال به اروپا، چپاول و تجاوزهای کشورهای دست‌نمنا، جنگ و نزاع‌های داخلی و خارجی و بذل و بخشش‌های سلطنتی سر به مهر پایان یافت و تنها برخی از حکایات به دست مورخان نگاشته شد.

♦♦♦
**«مملکت احتیاج دارد به حکومت و مشروطه»**

**معنایش این است که نمایندگان مردم تصمیم بگیرند، هیأت دولت اجرا کند. و تازه هیأت دولت را هم باید نمایندگان تعیین کرده باشند تا در نتیجه همه چیز را مردم تعیین کرده باشند و در واقع مردم خودشان بر خودشان حکومت کرده باشند**

♦♦♦
مشروطیت این‌طور بود که مردم نمایندگان را انتخاب می‌کردند که نمایندگان













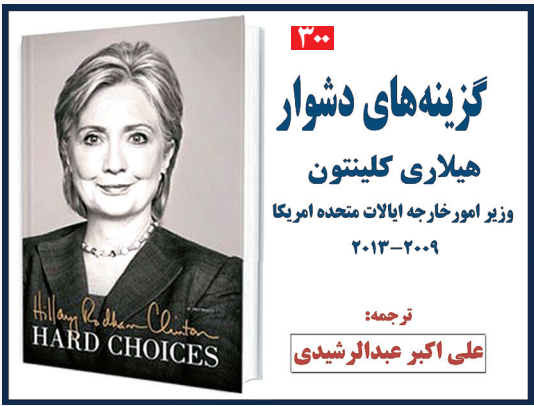












به کنگره یادآوری کردم که:

– «ما بر فراز عراق منطقه پرواز ممنوع برقرار کردیم اما نتوانست صدام حسین را از سلاخی کردن ملت خود در روی زمین باز دارد. باعث هم نشد که صدام سرنگون شود».

در روز یازدهم مارس، ژنرال بازنشسته وسلی کلارک، دوستی قدیمی که در دهه ۱۹۹۰ جنگ هوایی علیه کوزوو را رهبری کرد در مقاله ای که در روزنامه واشنگتن پست چاپ شد بحث را در مخالفت با اقدام نظامی اینگونه طرح کرد:

– «منابعی را که صرف برقراری منطقه پرواز ممنوع می‌کنیم احتمالاً کم خواهد بود و از نظر زمانی هم دیر. ما یکبار دیگر نیروی نظامی خود را درگیر تغییر رژیم در سرزمین مسلمانان خواهیم کرد. با این وجود حاضر نیستم این محققت را بیان کنیم. پس بایداید باور کنیم که نیازهای اصلی برای مداخله‌ای موفقیت‌آمیز وجود ندارد، دست کم در حال حاضر وجود ندارد. ما هدف روشن تعریف شده ای نداریم، مشروعیت حقوقی نداریم، حمایت بین‌المللی متعهدانه ای موجود نیست و اگر باشد در ظرفیت های نظامی کافی نیست و سیاست های مرتبط با لیبی به سختی نتیجه روشنی را پیش بینی می کند».

فرادی آن روز در قاهره اتفاقی به وقوع پیوست که معادلات را تغییر داد.

ماجرا از این قرار بود که اتحادیه عرب مرکب از نمایندگان ۲۱ کشور خاورمیانه پس از پنج ساعت بحث و گفتگو در مقر آن در قاهره، رای داد تا از شوروی امنیت سازمان ملل متحد بخواهد منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی ایجاد کند. اتحادیه عرب قبل از این، عضویت دولت قذافی را در این اتحادیه معلق کرده بود. حالا هم شورای انقلابیون را به عنوان نماینده مشروع ملت لیبی به رسمیت شناخت. اینها اقدامات مهم از سوی سازمانی بود که قبل از این، به عنوان باشگاه خودکامگان و بارون‌های نفتی شناخته می شد.

یکی از بازیگران اصلی صحنه این اتفاقات، دیپلمات مصری عمرو موسی بود که مقام دبیرکلی اتحادیه عرب را بر عهده داشتند اما گوشه چشمی هم به انتخابات آتی ریاست جمهوری مصر داشت. پادشاهان منطقه خلیج فارس هم با این قطعنامه همراهی کردند تا به مردم خود نشان دهند که خواهان تغییر هستند. البته همه آنها از قذافی نفرت هم داشتند.

دست آخر اینکه اگر اعراب علاقه داشتند رهبری را در دست بگیرند شاید شکل گیری یک ائتلاف بین‌المللی غیرممکن نبود. چنین ائتلافی قطعاً بر چین و روسیه که احتمالاً هرگونه اقدام تحت حمایت غرب را در شورای امنیت سازمان ملل متحد وتو می کردند فشار وارد می کرد. اما در بنیانه اتحادیه عرب از عبارت "اقدام انسانی" اسم برده شد و صراحتاً از اقدام نظامی و به کار گیری نیروی نظامی، اسمی به میان نیامده بود. در شکفته بودم که آیا عمرو موسی و دیگران واقعاً حاضرند از اقداماتی که مانع از قتل عام مردم لیبی به دست قذافی می‌شود حمایت کنند یا نه.

ایز، وزیر امور خارجه امارات، پشتت صحنه در اتحادیه عرب بازیگر قدرتمندی بود. وقتی من وارد پاریس شلدم او هم در پاریس بود. قبل از ضیافت شام اجلاس گروه هشت، در هتل محل اقامت من، با هم ملاقات کردیم. پرسیدم حمایت اعراب تا کجا ادامه خواهد یافت. آیا حاضرند شاهد بمباران لیبی به وسیله هواپیمای خارجی باشند؟ از آن بهتر آیا حاضرند خودشان نیز هواپیمایشان را برای بمباران اعزام کنند؟ پاسخ امارات عربی متحده در جواب هر دو سوال یاد شده مثبت بود.

پی نویس:
7-wesley Clark
ادامه دارد

**اشاره: موضوع دخالت های بی ثمر آمریکا در چهار گوشه جهان و همچنین نداشتن استراتژی مشخص از سوی واشنگتن در جنگ با تروریسم در شماره پیش مورد ارزیابی قرار گرفت. در ادامه این مقاله به بررسی پیامدهای جنگ‌های شکست خورده آمریکا طی سال‌های اخیر و تبعات این ناکامی‌ها برای کاسفید می‌پردازیم.**

\*\*\*

سازمان دهندگان جنگ جنگ امیدوار بودند روی کار آمدن یک دولت دموکراتیک در عراق بتواند واکنش‌های ضد استبدادی در منطقه را تشویق کند. هرچند که آن‌ها امیدوار بودند مشتریان آمریکا شامل مصر، عربستان و کشورهای عرب خلیج فارس از این موضوع در امان بمانند. در سال ۲۰۱۱ اتفاقاتی در این راستا رخ داد اما تنها پس از اینکه اکثر کشورهای منطقه به این نتیجه رسیدند که حمله آمریکا به عراق یک شکست فاجعه‌بار بوده، به وقوع پیوست. همچنین ثمرات بهار عربی را در بهترین حالت می‌توان محدود دانست.

تونس‌امایانگرواضح‌ترین‌موردموفقیت‌آمیز بود در حالی که لیبی دست‌نخوش آشوب شد و نیروهای استبدادگر بار دیگر در مصر روی کار آمدند و سوریه نیز دچار چرخه بی پایان خشونت و بی رحمی شد. از طرف دیگر در عراق به نظر می‌رسد میراث حمله سال ۲۰۰۳ ناتوانی در واگذاری وظایف به دولت جدید عراق بوده باشد. آمریکا همچنان به عنوان نیروی هوایی عراق عمل می‌کند و به سختی تلاش دارد نیروهای نظامی معتبری در عراق آموزش دهد. آیا مهار دوگانه در بلندمدت قابل مدیریت بود؟ آمریکا از سال ۲۰۰۳ تاکنون سرمایه‌های جانی و مالی بسیار بیشتری به نسبت فاصله یس ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ صرف کرد بنابراین از دیدگاه مالی و نظامی پاسخ این سوال مثبت است. همچنین در حالی که سیاست مهار دوگانه حکومت صدام را در قدرت نگه می‌داشت در عین حال موجب می‌شد بدترین موارد جنگ داخلی که در عراق در ۱۲ سال گذشته پابرجا بوده‌اند، وجود نداشته باشد.

**روسیه و چین**

آیا روسیه و چین از حمله آمریکا به عراق برای پیشبرد منافع‌شان بهره‌برداری کردند؟ برای پیدا کردن پاسخ این سوال در ابتدا باید پاسخ داد که چطور رفتار روسیه یا چین در صورتی که آمریکا از باتلاق عرب اجتناب می‌کرد تغییر می‌یافت؟ پاسخ این سوال احتمالاً این است: نه چندان زیاد. مطمئناً جنگ عراق باعث صرف توجه قابل توجهی از این دوستان این کشور بود. با این حال احتمال مداخله نظامی آمریکا در کمپینی با حضور روسیه یا چین کم بود. تنها جنگ قابل توجهی از این دوستان که آمریکا نقشی در آن ایفا کرد مربوط به جنگ سال ۲۰۰۸ منطقه اوستستای جنوبی در گرجستان می‌شود. اگرچه گرجستان‌ها نمایانده به دنبال مداخله آمریکا بودند اما دولت جورج دبلیو بوش علاقه‌ای پشتیبانی خود را تنها به حرف زدن بسنده کرد.

ظهور چین و افزایش قدرت روسیه تا حد زیادی مدیون فاکتورهای ژئوپلیتیکی است اما فاکتورهای مربوط به جنگ عراق. ما ممکن است بین افزایش قیمت نفت پس از حمله به عراق و قدرت دولت روسیه ارتباطی را پیدا کنیم (چین از افزایش قیمت نفت بهره مند نشود با این حال افزایش قیمت نفت پس از سال ۲۰۰۳ علاوه بر اینکه مدیون تصمیم حمله

به عراق بود به همان میزان مدیون پیشرفت اقتصاد چین و هند بود). روسیه و چین از حمله آمریکا به عراق مزیت‌هایی را در زمینه قدرت نرم به دست آوردند. مسکو مرتباً انتقادات آمریکا به اقداماتش در اوکراین را با ارجاع دادن به حمله سال ۲۰۰۳ به عراق پاسخ می‌دهد. هرچند که در کنار آن به جنگ کوزوو در سال ۱۹۹۹ و مداخله در لیبی در سال ۲۰۱۱ نیز اشاره می‌کند. از طرف دیگر یکن ادعاهای آمریکا در زمینه مدیریت دربابی در دریای چین جنوبی را زیر سوال می‌برد که تا حدی برگرفته از ناخرسندی در ارتباط با حمله افغانستان و نگرش آمریکایی‌ها را به استفاده از زور تغییر داد، پسنداً کرد. جنگ عراق بی تردید باعث کندتر شدن توسعه و پژوهش

فغانستان

حمله آمریکا به عراق به دو طریق بر

### روابط بین‌الملل

طالبان پیچیده‌تر و دشوارتر از آن هستند تا اینکه بخواهیم با یک صرف ساده منابع آن را برطرف کنیم. همچنین به سختی می‌توان استدلال کرد افزایش توجه به افغانستان باعث می‌شدد که امنیت این کشور تا حدی بیشتر شود. به طور خاص تعهد قدرتمند آمریکا به افغانستان (که با جنگ غیرممکن شد) می‌توانست تا حدی جلوی مودی‌گری پاکستان در منطقه را بگیرد.

بزرگترین تأثیرات جنگ عراق و پایدارترین محدودیت‌های آن را می‌توان در پاسخ به اینکه این جنگ چطور بر قابلیت نظامی آمریکا تأثیر گذاشت و نگرش آمریکایی‌ها را به استفاده

از زور تغییر داد، پسنداً کرد. جنگ عراق بی تردید باعث کندتر شدن توسعه و پژوهش

جایگاه آموزش قرار می‌داد به پیش برد. دونالد رامسفلد، وزیر سابق دفاع آمریکا در زمان جنگ عراق دست‌کم پیش از آنکه جنگ عراق بگیری چنین تکنولوژی‌هایی را از مسیر خارج کند. پیگیری این تکنولوژی‌ها را اولویت خود قرار داد. با این حال تکنولوژی‌های موجود چندان بر تصمیم‌گیری (راهبردی مسلط نیستند. تعداد جنگنده‌های بیشتر اف- ۲۲ یا ناوشکن‌های زموالت می‌توانست آزادی عمل آمریکا را تقویت کند اما تغییر چندانی در گرایش‌های قدرت نسبی در شرق آسیا نمی‌دادند.

به طور مشابه سیستم‌های رزم آینده به آمریکا گزینه‌های سیاسی چندانی برای مقاومت در مقابل دست‌اندازی روسیه به اوکراین نمی‌توانستند بدهند. از طرف دیگر این کلاماً

#### ضعف های اساسی استراتژی آمریکا در مقابله با تروریسم

# عواقب شکست آمریکا در نبرد با افراط گرایی



سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته در وزارت دفاع آمریکا شدد. بدون جنگ عراق ارتش آمریکا می‌توانست از نوگان برترتری از جنگنده‌های اف-۲۲ برخوردار باشد. همچنین نیروی دریایی آمریکا نیز بدون جنگ عراق می‌توانست انتظار تعداد بیشتری ناوشکن کلاس "زوموالت" داشته باشد. از طرف دیگر سیستم‌های معروف به مشکلات چشمگیر دیدگاه نیروی هوایی آمریکا دچار مرگ نمی‌شد.

این ادعای بزرگی است که بگویم صرف خاص همچنین می‌توانست تحقیقات در زمینه طبیعی از تکنولوژی‌های اخلاکرگر را که آن را بسیار جلوتر از روسیه و چین در مقایسه با

اشباه است که باور داشته باشیم پول و توجهی که صرف عراق شدد بدون هیچ مشکلی در صورتی که دولت بسوص تصمیم به جنگ عراق نمی‌گرفت به بخش پژوهش و توسعه منتقل شسود.نیازهای جنگ عراق و همچنین جنگ افغانستان بی تردید تا حدی توسعه تکنولوژیک را به حاشیه راند. جنگ عراق مشکلات چشمگیر دیدگاه نیروی هوایی آمریکا و نیروی زمینی این کشور نتایج به آینده جنگ را فاش ساخت و منجر به ناسوت‌های تکنولوژیک و دکترینی شدد که قابلیت‌های جنگی آمریکا را بهبود بخشیده‌اند. تغییر بزرگتر در داخل آمریکا بر اثر جنگ عراق مربوط به

نگرش مردم به جنگ می‌شود. در ۱۵ سال پس از جنگ سسرد به نسبت دوران پس از جنگ ویتنام مردم آمریکا در قبال استفاده از زور تحمل بیشتری کردند اما جنگ عراق این وضعیت را تا حد چشمگیری تغییر داد. امروزه شمار بسیار کمی از کاندیداهای جدی ریاستست جمهوری حتی از گزینه جنگ زمینی محدود علیه گروه تروریستی داعش حمایت می‌کنند. باراک اوباما به این دلیل در انتخابات درون حزبی دموکرات‌ها در سال ۲۰۰۸ پیروز شد که با جنگ سسال ۲۰۰۳ علیه عراق مخالفت کرد و از طرف دیگر صرف نظر از جنگ پهبادی آمریکا دولت اوباما به نسبت دولت‌های قبلی به وضوح حامی سیاست مبتنی بر مداخله کمتر است. این ترجیح دولت اوباما در راستای آرای عمومی و نخبگان درباره استفاده از زور است.

#### بخش دوم:پایانی

به گزارش شبکه خبری روسیا الیوم، داعش ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام خلافت کرد اما بدر این گروه تروریستی در واقع از طریق گروه توحید و جهاد در سال ۱۹۹۹ گراشته شدد که بعد در سال ۲۰۰۴ با القاعده پیعت کرد. این گروه در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۳ دولت اسلامی در عراق را تشکیل داد و در سه ماه اول سال ۲۰۱۳ مناطقی در سوریه را به اشغال خود درآورد. سرم فوریه ۲۰۱۴ از القاعده جدا شد تا اینکه در عراق و سوریه خلافت اعلام کرد و پرچم خود را در شهرهای مختلف از شمسال سوریه تا شرق عراق برافراشت.داعش امروزه کنترل بیش از نیمی از خاک سوریه و یک سسوم خاک عراق را در دست دارد که مجموع مساحت آن به حدود ۱۹۵ هزار کیلومتر مربع می‌رسد.

تروریست‌های داعش با استفاده از ارباع و دست زدن به اقدامات تروریستی قوانین سخت را خود را اجرای شریعت مورد نظرشان بر ساکنان مناطق تحت سیطره خود در سوریه و عراق تحمیل می‌کنند.

داعش طی یک سال از اعلام خلافت خود شنیع‌ترین روش‌ها را برای ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنان مناطق تحت سیطره خود و حتی جهان به طور کلی و تقویت وجهه خود در ریختن خون افراد به کار برد. جنبات‌های زیادی را در حق غیرنظامیان انجام داد، دست به ربودن زنان و تجارت انسان زد، عملیات اعدام جمعی به راه انداخت، بناهای تاریخی و آثار باستانی را به طور آشکار ویران و از اینترنت برای انتشار فرهنگ ویرانگرش استفاده کرد.

**جنون کشتن داعشی‌ها**
در نخستین سالوز اعلام خلافت داعش این گروه به رغم عملیات هوایی ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا عملیات خود در عراق و سوریه را بهر گسترش دامنه نفوذش همچنان ادامه می‌دهد و حتی دامنه آن را به دیگر کشورها نیز کشانده است.آخرین عملیات خونین این گروه در تونس و کویت انجام شد که نزدیک به ۷۰ تن قربانی گرفت. این گروه تروریستی حتی در همان روز رد پای خود را در عملیاتی در فرانسه برجا گذاشت. براساس گزارش‌کی که اوآخر مه گذشته به شورای امنیت ارائه شد،شمار نیروهای داعش ۲۵ تا ۳۰ هزار تن برآورد شده که بیشترشان خارجی هستند. در این گزارش آمده است که شمار افراد مسلح داعش طی چند ماه گذشته ۷۰ درصد افزایش یافته استست و تدروهای جدید از بیش از ۱۰۰ کشور جهان به داعش پیوسته‌اند.

در سایه ناتوانی ائتلاف بین‌المللی در دادن به جایت‌های داعش و توقف پیشروی آن روسیه کوهان افزایش تلاش‌ها برای مقابله با داعش است. سازمان معتقد است که حملات هوایی برای از بین بردن داعش به تنهایی کافی نیست برای همین همواره از جامعه جهانی می‌خواهد تا برای مقابله با تروریسم با دمشق همکاری کنند اما کشورهای غربی که معتقدند نباید مبارزه با داعش را به تعامل با دولت سوریه مرتبط کنند از این مساله مخالف می‌کنند.همین تناقض در مواضع است که مانع در پیش گرفتن استراتژی بین‌المللی یکپارچه‌ای می‌شود که بتواند جلوی پیشروی داعش را بگیرد و در واقع از گسترش سرطان داعش در جهان پیشگیری به عمل آورد. سسراطی که درحال سربایت به خارج از خاورمیانه و شمال آفریقااست.

**۱۸) مبلغ بازپرداخت نشده اوراق مشارکت:** شرکت فاقد مبلغ بازپرداخت نشدهٔ اوراق مشارکت است.

**۱۹) مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده‌است:** مجموع بدهی های شرکت بر اساس صورت های مالی حسابرسانی شده ۱۳/۰۶/۹۳ معادل ۲۰۶٬۷۲۰٬۲۰۲ میلیون ریال می باشد. همچنین شرکت فاقد دیون اشخاص ثالث می باشد.

**۲۰) مدت پذیره نویسی :** پذیره نویسی از اول وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۳/۰۵/۹۴ آغاز و تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۱/۰۶/۹۴ به مدت ۳۰ روز ادامه خواهد داشت.

**تذکره:** چنانچه سقف سرمایه تعیین شده قبل از انقضای مهلت پذیرهنویسی تکمیل و وجوه مربوطه تامین گردد، عملیات پذیرهنویسی متوقف خواهدشد.

**۲۱) حداقل و حداکثر سهمایی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود:** حداقل یک سهم و حداکثر ۱۰٬۶۵۲٬۵۹۱ سهم می باشد (با رعایت ماده ۳۳ قانون تاسیس موسسات بیمه غیر دولتی بیمه مرکزی ج.ا.ع)

**۲۲) مشخصات حساب بانکی ناشر :** پذیرهنویسی سهام شرکت بیمه دی تماماً از طریق شبکه کارگزاری انجام خواهد شد. متقاضیان پذیرهنویسی می توانند به مراجعه به شرکت های کارگزاری عضو فرابورس ایران و ارائه تقاضای سفارش خرید سهام شرکت و واریز وج به حساب کارگزار مربوط اقدام نمایند. شایان ذکر است مبالغ دریافتی توسط کارگزار مربوطه باید به حساب زیر واریز گردد:

حساب سپرده کوتاه مدت شماره ۱۱۱۱۱۱۱۱۱ بهنام شرکت بیمه دی سهامی عام، نزد بانک دی شعبهٔ شریعتی کد ۱۱۲ ۰

**۲۳) مشخصات تعهد پذیرهنویسی و میزان تعهدات آن:**

نام متعهد	شخصیت حقوقی	میزان تعهدات	موضوع تعهدات
موسسه اندوخته شاهد	موسسه	خرید کلیه حق تقدم های پذیرفته نشده	امور مربوط به سرمایه گذاری بنیاد شهید
شرکت آتیه سازان دی	سهامی خاص	خرید کلیه حق تقدم های پذیرفته نشده	خدماتی –بازرگانی–سرمایه گذاری
بانک دی	سهامی عام	خرید کلیه حق تقدم های پذیرفته نشده	انجام خدمات بانکی و کلیه عملیات پولی و بانکی مشروع

**۲۴) روزنامهٔ کثیرالتنشار:** روزنامهٔ کثیرالتنشار که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های ناشر در آن منتشر می‌شود روزنامهٔ دنیای اقتصاد می باشد. همچنین اعلامیهٔ مذکور در روزنامه های همشهری و اطلاعات (بر اساس مفاد مادهٔ ۱۷۷ لایحهٔ اصلاحی قسمتی از قانون تجارت) نیز منتشر می گردد.

**۲۵) چگونگی پذیرهنویسی:**

با توجه به پذیرش این شرکت در فرابورس ایران، این سهام از طریق سامانه معاملات فرابورس ایران به فروش می‌رسد. ضمناً سهامدارانی که حق تقدم فوق را خریداری نمی‌نمایند، می‌بایست علاوه بر مبلغ پرداختی بابت حق‌تقدم، مبلغ اسمی هر سهم را نیز به کارگزار مربوطه بپردازند. وجوه متعلق به پذیرهنویسانی که سهامی به ایشان تخصیص داده نشود، حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ صدور مجوز استفاده از موجودی حساب بانکی به آنان مسترد خواهد شد.

**۲۶) کلیهٔ اطلاعات و مدارک مربوط به شرکت شامل:** اساسنامه، طرح اعلامیه پذیرهنویسی و آخرین صورت‌های مالی به اداره ثبت شرکت‌های تهران تسلیم شده‌است. همچنین گزارش توجیهی هیئت مدیره در خصوص افزایش سرمایه، گزارش بازرس قانونی و بیانیه ثبت سهام در دست انتشار در سایت اینترنتی شرکت به آدرس **www.dayins.com** و سامانه اطلاع رسانی ناشران به آدرس **www.Codal.ir** در دسترس علاقه‌مندان می‌باشد.

**۲۷) مشخصات سهامداران :** مشخصات سهامداران بالای ده درصد به شرح جدول زیر می باشد:

نام سهامدار	نوع شخصیت حقوقی	تعداد سهام	درصد مالکیت
بانک دی	سهامی عام	۱۲۰٬۳۴۱٬۷۶۸	۱۹٫۷
شرکت آتیه سازان دی	سهامی خاص	۹۶٬۰۶۰٬۵۸۳	۱۵٫۸۲
سازمان اقتصادی کوثر	نهاد	۱۰۰٬۶۲۲٬۴۴۷	۱۶٫۴۸
شرکت سرمایه گذاری دانایان پارس	سهامی عام	۶۹٬۶۴۴٬۰۴۹	۱۱٫۴

**۲۸) نحوهٔ عمل در صورت عدم تکمیل پذیرهنویسی سهام شرکت:** موسسه اندوخته شاهد و بانک دی و شرکت آتیه سازان دی تعهد نموده اند تا ظرف ۵ روز پایانی مدت پذیره نویسی اقدام به خرید حق تقدم های باقیمانده نمایند.

**۲۹) نکات مهم:**

- سهامیلت محت و قابلیت اتکای اطلاعات اعلامیهٔ پذیرهنویسی بر عهدهٔ ناشر است.
- ناشر، شرکت تأمین سرمایه، حسابرِس، ارزش یابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارت وارده به سرمایه‌گذارانی هستند که در اثر قصور، تمسیر، تخلف و یا به دلیل ار انه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضهٔ اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آن ها باشد، متضرر گردیده‌اند.
- تکثیر، ابداع یا بهادار نرد سازمان بورس و اوراق بهادار، از رفتار مطابق الزامات این رعایت قرائت قانونی و مصوبات سازمان بورس و اوراق بهادار و شفافیت اطلاعاتی بوده و به منزلهٔ تأیید مرآبا، تضمین سودآوری ویا توصیه و سفارشی درمورد شرکت‌ها یا طرح‌های مرتبط با اوراق بهادار توسط سازمان نمی‌باشد.
- پذیره نویسان می توانند در صورت مشاهده هر گونه تخلف از موارد یاد شده در این اعلامیه مراتب را کتبا به سازمان بورس و اوراق بهادار به آدرس زیر ارسال نمایند.
- تهران – ابتدای خیابان ملاصدرا – شمارهٔ ۱۳ سازمان بورس و اوراق بهادار – ادارهٔ نظارت بر انتشار و ثبت اوراق بهادار سرمایه ای مطابق با ماده ۳۳۳ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری، تملک بیش از ۲۰ درصد سهام شرکت‌های بیمه ای برای اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز نمی‌باشد.
- با توجه به ماده ۴ آیین نامه شماره ۴۰ ضوابط تأسیس موسسات بیمه غیردولتی مصوب شورای عالی بیمه ، مجموع اشخاص زیر در هر حالت یک شخص محسوب می شوند:
- شخص حقیقی متقاضی بعلاوه اقارب نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول شامل پدر، مادر، فرزند، همسر، پدر و مادر همسر.
- شخص حقوقی متقاضی بعلاوه سایر اشخاص حقوقی که متقاضی بطور مستقیم یا با واسطه در آنها بیش از ۲۰ درصد حق رای داشته باشند.
- اشخاص حقوقی که شخص حقیقی متقاضی و یا اقارب مندرج در بند فوق در آن بیش از ۲۰ درصد حق رای داشته باشند.
- اشخاص حقوقی که یک شخص حقیقی یا حقوقی همزمان بطور مستقیم یا با واسطه در آنها بیش از ۲۰ درصد حق رای داشته باشند.
- در رعایت ماده ۴ آیین نامه شماره ۴۰ ضوابط تأسیس موسسات بیمه غیردولتی، وزارت‌خانه ها، موسسه های دولتی، موسسه ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت های موضوع ماده ۲ "قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت" نمی توانند جز، مؤسسين شرکت بیمه باشند.
- اشخاص حقوقی دولتی و وابسته به آنها نمی توانند در پذیره نویسی سهام شرکت بیمه دی (سهامی عام) شرکت نمایند. در صورت شرکت نهادهای مذکور در پذیره نویسی، وجوه واریز شده در مدت متعارف عودت خواهد شد.

#### هیئت مدیره شرکت بیمه دی (سهامی عام)





















## تعليق در شعر فارسی

۱۴ سعید قلاح فر

چندین بار که از هوای نوشتن و سرودن فارغ شده بودم، متوجه حالت و ویژگی خاصی در بعضی نوشته هایم می شدم که بی تردید می توانست عنوان یکی از آرایه های ادبی باشد. برای پیدا کردن ریشه و پیشینه این آرایه هم نیاز به تحقیق چندان نبود. چرخه در اندک محفوظاتم کفایت می کرد تا آن را به راحتی در تاریخ ادبیات کلاسیک فارسی پیدا کنم. اما در بحث های مکتوب معرفی صنایع شعری، رد مشخص و مستقلى از آن به چشمم نمی خورد. پس بر آن شدم تا شرح و عنوان پیشنهادی خودم را در معرض قضاوت بگذارم؛ «تعليق»

ادبیات فارسی، به ویژه شیوه هندی، سرشار از نمونه های پیچیده گویی و یا ایاتی است که به نوعی کلام و معنا را در صنعت موسوم به «لغز» و «معما» پیچیده اند و درک آن را مستلزم کشف این معما و گشودن گره چیستان کرده اند. یا نکته سنجی ها و ریزه گویی هایی که نیازمند دست یافتن به ارتباط منطقی و یا حتی نامعمول بین اجزای بیت بوده اند. روابطی که از فرط اغراق گاهی جز به مدد شرح مفسرین آشکار نمی شود. البته در مواردی هم شعرا در این صنعت چندان زیاده روی کرده اند که آن را به نوعی ضد زیبایی بدل کرده است. تا جایی که چنین کنایه آمیز از آن گفته اند؛

مدعی گو لغز و نکته به حافظ مغروش

کلک ما نیز زبانی و بیانی دارد

معما؛ در اصطلاح فن بدیع، به صنعتی گفته می شود که شاعر موضوع یا نامی و... را به اشاره و رمز می گوید تا خواننده و شنونده آن را با تلاش کشف کنند. لغز را هم پیچیدگی و پوشیدگی در کلام موزون تعریف کرده اند که خواننده به استناد اشاره هایی، به معنا و منظور شاعر پی می برد.

آه مقلوب در میانه شب

نام آن سرو ماهرو باشد

در این بیت، شاعر کلمه شهاب را اراده کرده که از نشستن «آه» مقلوب (برعکس) در میان «ش» و «ب» از کلمه «شب» ساخته می شود. نکته گویی ها همیشه هم تا این حد هم غامض و دور از ذهن نیست:

ناله مظلوم در آهن سرایت می کند

زین سبب در خانه زنجیر دایم شیون است  
اگر آهن کنایه از ظالم و ظلم باشد، معنای بیت روشن خواهد بود. در شکلی لطیف تر، گاهی هم شاعر در مصرع دوم، خود گره از مصرع اول باز می کند:

ز خاک من اگر گندم برآید

از آن گر نان پزی، مستی فزاید

پیچیدگی بیت، گاهی از رمزگشایی ساده یک اصطلاح و کنایه آشکار می شود؛

جوزا سحر نهاده حمایل برابرم

یعنی غلام شاهم و سوگند می خورم

کلید تجسم تصویر این بیت با تجسم صورت فلکی جوزا (که بر کرسی نشسته و شمشیر دارد) به دست می آید. در بیت زیر هم کشف رابطه علمی مس، اکسیر و طلا برای درک مضمون کافی است.

گویند روی سرخ تو سعدی چه زرد کرد

اکسیر عشق بر مسم افتاد، زر شدم

اما «تعليق» را باید از این صنایع رایج جدا کرد. واژه تعليق را در لغت به معنای آویختن و آویزان کردن آورده اند. اما در ادبیات داستانی به اوج داستان اتلاق می شود که ابهام های به وجود آمده در آن برای مخاطب غافلگیرکننده است و او را برای پیگیری ماجرا مشتاق می کند. تعليق به معنی در انتظار نگه داشتن خواننده، بر اساس نادانسته ها و ایجاد کنجکاوی و انگیزه برای ادامه دادن داستان است. اما به این معنی نیست که اطلاعات لازم عمداً از خواننده دریغ شود و یا با رمزواره های پیچیده و زائد، در پی خبری بماند. بلکه تعليق ایجاد یک فضای ملحق و پرانتظار است.

شاید با اندکی تسامح - و فارغ از شرح گشاینده ادامه داستان - بتوان از این معنا و عبارت، به عاریه برای توضیح و معرفی موضوع در حوزه آرایه های ادبی استفاده کرد.

بقیه در صفحه ۲



اگر تیغ عالم بجنبد ز جای  
نبرد رگی تا نخواهد خدای  
«نظامی گنجوی»

## نگاهی به دستاوردهای تلویزیون در رمضان ۹۴

# افطاری تلویزیون روی سفره رمضان

امسال انگار ماراتن سریال های سری چندمی بود. بعد از پایتخت که حال با سری چهارم بودنش صدر نشین است، در سری های عظیم نیز در سری دوم خود، روی آنتن شبکه دوم رفت. اگرچه اولین سریالی بود که بعد از افطار پخش می شد. با همان شخصیت هایی مواجه می شویم که در سری اول دیدیم، اما به واسطه اتفاقاتی که می افتد و موقعیت های تازه تر این شخصیت ها به هم نزدیک تر شده اند و فراز و فرودهای قصه نیز بیشتر شده است.

گسره اصلی قصه نیز از التهاب و هیجان بیشتری برخوردار شده و سوبه ماجراجویان آن عمق بیشتری پیدا کرده است. با پیدا شدن بچه ای در ماشین و آمدن خانواده لطیف (جواد عزتی) از شهرستان و دعوت از خانواده پدري بهار (الناز حبیبی)، آن دو دچار در سری های فراوانی



می شوند. در سری های عظیم، سریال گرم و گیرایی است و شوخی ها و دیالوگ های طازانه با نمکی دارد، اما آنچه نمک این ماجرا را بیشتر می کند و در واقع اعتبار بیشتری به آن می بخشد، سوبه انتقادی - اجتماعی سریال است که به نوعی، هم دست به نقد رفتارهای عمومی می زند و هم عادات و رفتارها و مناسبات خانوادگی را مورد نقد قرار می دهد. در واقع، در سری، ماجرا، پنهان کاری، تعليق فراز و فرود و... همه در خدمت ایجاد سرگرمی و نقد اجتماعی است. نقدی که در متن درام صورت بندی شده و از ساختار بیرون نمی زند. شاید مهمترین ویژگی و رویکرد نیک نژاد در همین نگاهش به طنز باشد. به نظر می رسد در دل این موقعیتی که ترسیم شده در سری های عظیم ۲ یک گام جلوتر از سری اول باشد.

بقیه در صفحه ۴



کاراکترها پیش می رود، باز هم توانست نظر بسیاری از مردم را به خود جلب کند و به پر مخاطب ترین سریال رمضان ۹۴ بدل شود.

از دواج بابا پنجعلی، مرگ راحله همسر ارسطو و پیروزی هما در انتخابات شورای شهر، قصه را در موقعیت جدیدی قرار داد که برای مخاطب تازگی داشت. ضمن این که سوبه انتقادی سریال نسبت به مسائل اجتماعی فزونی گرفت که البته حاشیه هایی را نیز به دنبال داشت.

از جمله ویژگی های پایتخت ۴ اضافه شدن برخی از تکیه کلام های بانمک بود که به سرعت در فضاهای مجازی منتشر شد و مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت؛ مثل: «مگه داریم، مگه می شه»، «پیر مرد پر حاشیه»، «زنم بود پاره تنم بود»، «ناپلئونی بیارم» و... به این موارد حضور یک نوزاد به نام بهروز را هم اضافه کنید که جایگزین پدرش بهبود بود که در این قسمت حضور نداشت. بانمک بودن این بچه با وجود این که دیالوگ نداشت، در کنار اضافه شدن یک شخصیت دیگر که برعکس پر حرف بود، یعنی مادر ارسطو، از جمله جذابیت های تازه پایتخت ۴ بود.

نمایش پایتخت در ماه رمضان البته مخاطبان جدیدی هم به این سریال اضافه کرد و خیلی از کسانی که در ایام نوروز به دلیل مسافرت دید و بازدیدها موفق به تماشای آن نشدند، این بار فرصت یافتند که پایتخت را تماشا کرده و به قبیله هواداران آن بپیوندند.

در سری های عظیم



## نگاهی به فیلم «در دنیای تو ساعت چند است»

# آرام گرفتن یک خاطره

محمد صادقی



کدام اهریمن فرشته خویی مرا این گونه در میان رمز و سکوت و آرامش و عطر نشانیده؟... چه سعادت! آنچه را که در عرف، زندگی می نامیم، حتی در کامروا ترین تجلی هایش، هیچ گونه شباهتی ندارد با این زندگی والا که من اکنون از آن برخوردارم و آن را دقیقه دقیقه، ثانیه ثانیه، می چشم. نه، دیگر دقیقه ای در میان نیست، ثانیه ای در میان نیست! زمان ناپدید شده است، ابدیت حاکم است، ابدیت حظ...

شعری از شارل بودلر

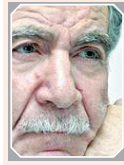
(برگرفته از کتاب «ملال پاریس و گلهای بدی» - ترجمه محمد علی اسلامی ندوشن)

۱. غربت «گیله گل» یا همان «گلی» و عشق «فرهاد»، غریب نیست. هر دو از تنهایی جهان انسند؛ یکی در دنیای خاطره ها و لحظه های خوش دیروز، و دیگری بریده از دیروز و خاطره ها، به گونه ای که حافظه اش را هم از دست داده! اگر هم قرار است به یاد کسی بیاید که از دیروز به جا مانده، جز در قاب خاطره ای ممکن نیست. چنان که آقای مهربان، او را در شسورت آبی قدیمی به خوبی به یاد می آورد و صمیمانه دستی برایش تکان می دهد و این همان آقای مهربان است که در یک قدمی او و چهره به چهره هم نتوانسته بود او را به خاطر بیاورد.

بقیه در صفحه ۴



تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



## گلشن راز

«گفتگو از: کریم فیضی ۱۱۳»

### قرب قاب قوسین

«[قاب قوسین] طبق آیات قرآن، آخرین مرتبه معرفتی است.

کاف کونین، کنج دارد که در مقام مقایسه با قرب [قاب قوسین] تنگ و محدود است. قرب قاب قوسین نامحدود است. این قوسین اشاره به دو قوس صعود و نزول هم دارد که دایره هستی را شامل می‌شود و بالاتر از آن مقام خود حق تعالی است.

**\* و مقام اطلاق. در این مقام، انسان به هر چه که بخواهد و اراده کند، می‌رسد و می‌یابد: دهد حق مر تو را هرچ آن بخواهی**

**نماید چشم‌ت اشیا را کماهی** انسانی که از کنج کونین خارج شود و به مقام «قرب قاب قوسین» برسد - که عبارتی دیگر از ترک تعلقات است - به هر آنچه می‌خواهد، می‌رسد. کلمه «هرچ آن بخواهی» اطلاق دارد و چیزی بیرون از آن نیست. همه چیز در مقام «قاب قوسین» است و کسی به آن برسد، همه چیز را آنگونه که هست، می‌بیند.

**\* یعنی حقیقت اشیاء در این مقام برای انسان ظاهر می‌شود. توجه دارید که درخشان‌ترین حرف هستی‌شناسی مشرق‌زمین این سخن پیامبر است که فرمود: اللهم ارني الاشياء كما هي؛ یعنی پروردگارا! اشیاء را آنگونه که هستند، به من نشان بده.**

بنده و جنابعالی، اشیاء را آنچنانکه می‌نماید، می‌بینیم، نه آنچنانکه هستند. پیامبر از خداوند خواست که اشیاء را آنچنانکه هستند، برایش نشان بدهد. اجازه بدهید در اینجا این سؤال را طرح بکنم که: مگر اشیاء آنچنانکه هستند، چگونه‌اند و چه فرقی با اشیاء آنچنانکه می‌نمایند، دارند.

**\* تفاوت در اندکاک است؛ اندکاک در علم ربوبی و سیطره و عنایت حق و دیدن این حالت اندکاک و ندیدن این اندکاک. در واقع، اشیاء، اشیاء هستند. دیدن آنها فرق می‌کند. بنابراین، مفهوم سخن پیامبر این خواهد بود که نگاهی به من عطا کن که اشیاء را آنگونه که برای تو هستند یا تو می‌بینی، ببینم.**

یا همان اعیان ثابت؛ یعنی حق را دیدن و در حق دیدن، اشیاء در علم ما انسانها، آنچنانکه هستند، نیستند. شیء آنچنانکه هست، تنها در علم حق است؛ یعنی فی علم الله و با چشم حق می‌توان دید. شَمَّ علم‌الحديث جنابعالی را در مطلبی که بیان کردید، کاملاً تصدیق می‌کنم. حضر تعالی بسیار خوب درس خوانده‌اید و آنچه را که خوانده‌اید، ضایع نکرده‌اید.

**\* بدون شک بنده استحقاق این اندازه محبت و لطف حضرت تعالی را ندارم و اگر هم چیزی می‌توانم بگویم، حاصل درس‌هایی است که از شما آموختم. اما می‌رسیم به یک «قاعده» دیگر و افاضاتی دیگر از خرمن معرفتی شیخ شهبستی: به نزد آنکه جانش در تجلی است**

**همه عالم، کتاب حق تعالی است** چه کسانی عالم را کتاب حق می‌دانند؟ ما معمولاً، عالم را همین چیزهایی می‌بینیم که هست: خانه و خیابان و کوه و صحرا و دریا اما کسی که از دید تجلی حق نگاه می‌کند و باچشم حق می‌نگرد - نه با چشم مخلوق - همه عالم را کتاب حق می‌بیند.

**\* و چون چنین انسانی خودش هم جزو عالم است، می‌شود، کتاب اندر کتاب؛ یعنی دیدن یا خواندن کتاب حق، بوسیله کتابی دیگر از کتابات الله.**

درست است. کتاب بزرگ حق، انسان است. کتابی دیگر هم هست که قرآن آن را «کتاب مبین» می‌خواند و می‌گوید: و کل شیء احصیناه فی کتاب مبین. همه چیز در این کتاب است و هیچ چیزی از آن خارج و بیرون نیست.

ادامه دارد

نگاهی به داستان «من دانای کل هستم»، نوشته مصطفی مستور

## واکاوی زندگی یک نویسنده



محمد رضا صیدزاده

چاقو های ضامن دار دسته صدفی زنجان خوش دست را خریدم. هم توی جیب جا می گرفت و هم بعد از کشتن گم و گورکردنش راحت بود. به هر حال، بعداً از این نوع کشتن منصرف شدم. گمان می‌کنم علتش این بود که فکرمی کردم کشتن کسی در تاریکی کمی شاعرانه است. فکرمی کردم خشونت می‌باید در چنین صحنه‌هایی باشد با تاریک کردن صحنه تلنّف (بیخشد تلطیف) می‌شود. شاید علت این که آن عوضی در داستان عشق و پیاده رواش صحنه کشتن راوی را بد کار نکرده بود، این بود که چاقو خوردن توی نور روز اتفاق می‌افتاد. از طرفی نمی‌خواستم از او تقلید کنم. نمی‌خواستم ادای او را در بیاورم. بعد فکری دیگری به کلمه ام زد. گفتم می‌دزدمش و با طناب خفه اش می‌کنم. همه مقدمات را هم فراهم کردم.

آپار تمانی در دروس اجاره کردم، چند متر طناب خریدم، ماشین دوستی را قرض گرفتم و کمین کردم تا شب، وقتی یوسف می‌خواهد از کتابفروشی به خانه اش برود، او را سوار ماشین کنم و با جزئیات کاری که روی کاغذ یادداشت کرده بودم مثل یکی از همین فیلم های آمریکایی که کمپانی های برادران وارنر و گلدن مایر می‌سازند، سناریو را ذره ذره و با رعایت تمام جزئیات و به کارگردانی خودم و بازیگری یوسف و یونس (بعداً می‌گویم این یونس کیست وازکجا پیداش شد) اجرا کنم.

داشتم روی این طرح کار می‌کردم که میلاد، پسر، کتاب علومش را آورد تا در باره تبدیل ماده به انرژی سؤالی بپرسد. کتابش را گرفتم و با صدای بلند خواندم...

سؤال را یکی دوبار دیگر خواندم و بعد پشت همان کاغذی که داشتم جزئیات طرح کشتن یوسف را می‌نوشتم مسئله را حل کردم. یعنی فکر می‌کنم که حل کردم چون جوابش چنان عدد بزرگی شد که نه من و نه البته میلاد نمی‌توانستیم آن را بخوانیم؛ چه برسد به این که آن را بفهمیم. به همین خاطر، به درست بودن راه حل مسئله شک کردم.

فکر می‌کنم کاغذ را میلاد برد مدرسه؛ هرچند که خودش این را انکار می‌کند. معصومه هم می‌گفت که فکرمی کند چنین کاغذ پاره ای را توی سطل آشغال انداخته باشند. البته مطمئن نبود. به هر حال طرح گم شد و من هرچه فکرکردم نتوانستم جزئیات را دوباره به خاطر بیاورم.

شاید به همین دلیل بود که به فکراه دیگری برای کشتن یوسف افتادم...

گمان می‌کنم اولین بار زیردوش حمام بودم که فکرکشتن با شیرگازبه خاطرم رسید. بعد، همان شب توی رختخواب و قبل ازاین که بخوابم جزئیات بیشتری را در ذهنم طراحی کردم و عصر روزبعد قلم وکاغذ برداشتم و صحنه قتل را با دقت وجزئیات کامل نوشتم. کار را باید یونس انجام می‌داد.

منطق داستان این بودکه یونس شاعر، زنش منع تمام نشدنی الهام های شاعرانه اش را در حادثه هولناکی ازدست می‌دهد. در واقع زنش را عده ای سارق آدمکش، وقتی او خانه نبوده، توی حیاط خانه می‌کشند. به هر حال یونس به تعبیر خودش برای گم و گورکردن خودش به مقداری پول احتیاج دارد که برای تا ته خط رفتن و تمام کردن عالی این مصیبت با دستمزد خوبی به استخدام گروهی آدمکش درمی‌آید تا کلک یوسف را بکشد: کتابفروش بخت برگشته ای که رقیب پولدارعشقی اش نمی‌خواست او زنده بماند...

نویسنده ای که خود را دانای کل می‌داند، می‌خواهد قصه ای جنایی بنویسد؛ آنهم جنایتی که باید در یک کتابفروشی رخ بدهد و شاعری هم باید قاتل باشد که شعری دارد با عنوان: در چشم هایت غرق می‌شوم و در دستانت می‌میرم...

در مجموعه داستان «من دانای کل هستم»، شرح این نوع قصه نوشتن و دنیای پنهان نویسندگی به زیبایی واکاوی شده است. مجموعه داستانی که «مصطفی مستور» نویسنده آن بوده و انتشارات ققنوس هم به بازار کتاب عرضه کرده است.

مصطفی مستور در سال ۱۳۴۳ در اهواز به دنیا آمد. در سال ۱۳۶۷ در رشته مهندسی عمران از دانشگاه شهید چمران اهواز فارغ‌التحصیل شد و دوره کارشناسی ارشد را در رشته زبان و ادبیات فارسی در همان دانشگاه گذراند. او نخستین قصه خود را با عنوان «دو چشمخانه خیس» در سال ۱۳۶۹ نوشت و نخستین کتاب قصه اش را در سال ۱۳۷۷ با عنوان «عشق روی پیاده‌رو» شامل ۱۲ داستان کوتاه به چاپ رساند.

حاصل تلاش های بعدی او داستان های «روی ماه خداوند را ببوس»، «چند روایت معتبر»، «استخوان خوک و دست‌های جذامی»، «حکایت عشقی

بی‌قاف، بی‌شین، بی‌نقطه»، «عشق روی پیاده‌رو»، «من گنجشک نیستم»، «تهران در بعد از ظهر»، «سه گزارش کوتاه درباره نوید و نگار»، به همراه تعدادی نمایشنامه، پژوهش و ترجمه است.

برگزیده بهترین رمان سال‌های ۷۹ و ۸۰ جشنواره قلم زرین، برای رمان «روی ماه خداوند را ببوس» و برگزیده بهترین رمان سال ۱۳۸۲ جایزه ادبی اصفهان برای رمان «استخوان خوک و دست‌های جذامی» و برنده لوح تقدیر از نخستین مسابقه داستان‌نویسی صادق هدایت، ره آورد تلاش های نویسنده مصطفی مستور می‌باشد.

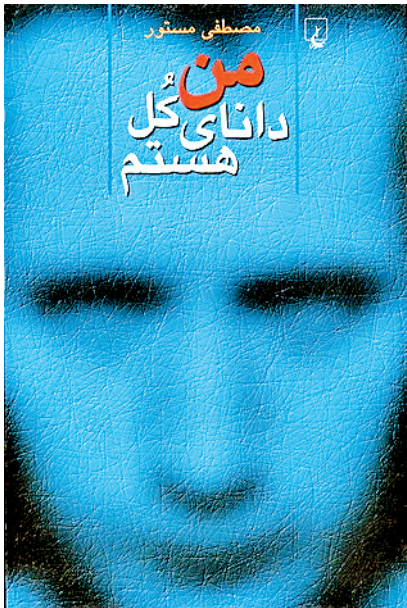
قصه «من دانای کل هستم» این چنین آغاز می‌شود:

سه هفته است که می‌خواهم یوسف را بکشم اما نتوانسته‌ام. یعنی هربار که خواسته‌ام او را بکشم اتفاقی پیش آمده که مانع شده است. اول تصمیم گرفتم سر راهش کمین کنم تا شیبی خلوت، در کوچه ای، ناغافل کاردی توی سینه اش فرو کنم. خاطرم

هست یک بارچنین صحنه ای را در داستانی از نویسنده ای گمنام و البته مزخرف نویسی به اسم مستور خواندم و حالم به هم خورد. گمان می‌کنم اسم داستان در پیاده رو عشق می‌آید یا عشق بازی در پیاده رو یا شاید هم عشق روی پیاده رو بود. چیزی توی همین مایه‌ها.

همین جا بگویم غلط کردند داستان نویس‌ها اگر حالا آدم کشته باشند. یعنی عرضه اش را ندارند. خیلی که هنرکنند، خیلی که خبر مرگشان شق القمر بکنند، می‌توانند توی همان مزخرفاتی که به اسم داستان به خورد جماعت می‌دهند، کشتن را توصیف کنند. همین.

بگذریم. رفته و یکی از کاردهای تیزی را که معصومه گوشت و ماهی را با آن تکه تکه می‌کرد، از توی کشوی کابینت آشپزخانه برداشتم و سبک و سنگینش کردم. تیز بود اما کمی بزرگ بود و خوب توی جیب کاپشن جا نمی‌گرفت. به همین خاطر نظرم عوض شد و رفته سرچهارراه و یکی از



## تعلیق در شعر فارسی

بقیه از صفحه اول

در واقع می‌توان گفت: تعلیق در شعر به عکس پیچیدگی‌هایی مثل معما و کنایه و لغز و...، با هیچ استدلال و تفسیر ساده‌ای منجر به یک کشف مطلق و نهایی نمی‌شود. با همچون ایهام که از معنایی نزدیک به معنایی دور می‌رسد، یقینی در معنای دور و نزدیک ندارد. در این صورت درک ترتیب کلام، قطعی نیست و یا حداقل قطعیت در آن دشوار، متزلزل و دور از اتفاق نظر خواهد بود. در تعلیق چاره‌ای نیست جز شناور ماندن در امواج مداومی از حس و معنا.

پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت ناخلف باشم اگر من به جویی نفروشم در آغاز بیت به نظر می‌رسد شاعر قصد شمایات پدر خود را دارد، اما در مصراع دوم خواننده را به وارستگی پدر خویش اشارت می‌کند. اما باز هم آیا

خود را وارسته تر از پدر نشان نمی‌دهد؟

من، شبیه آرزوهای مادرم بودم

ساده و صمیمی و دلتنگ

به راستی گوینده در این بیت در پی توصیف

حالتی از خویش است و یا به کنایه و اشاره، صفاتی

مادرانه را می‌شمارد؟

بعد از شهر/گورستان بود/مثل عکاسخانه ای/

که شیشه های کهنه را دور می‌ریخت.

شهر به تعبیر گوینده رو به ویرانی است یا

ماندگاری؟ آیا اهالی گورستان رفتگانی هستند که به

کاری نمی‌آیند و یا شیشه های کهنه عکاسی اشیاء

هستند که به قدر در گذشتگان محترم و هويت

سازند؟ این رفت و آمد معنایی، در کدام سو سنگین

تر است و نزدیک تر به مقصود گوینده؟... در تعبیرات

و مکالمات روزمره هم می‌شود از این صنعت سراغ

گرفت: تواز اون احمق، با هوش تری!

لذت اشعار مزین به پیچیدگی و معما، در کشف

رابطه هاست. در حالی که آنچه تعلیق شاعرانه را

شیرین و لذت بخش می‌کند، عدم کشف قطعی آن

است که خواننده را غرق احساسات نو به نو نگه

می‌دارد. تعلیق در واقع نوعی سردرگمی [بی‌سرانجام]

هیجان‌انگیز و طنازانه است. در چیستان و معما ایهام

و... خواننده معطل در معاست. اما در تعلیق خواننده

معلق در معناست. تعلیق علاوه بر تعلیق معنوی و یا

ارجاعات فعلی غیر قطعی، گاهی نیز از هم ارزشی

معانی بیرونی و درونی ایهام ساخت می‌شود. در

این مثال، اعتبار معنای ظاهری را شاید نتوان به یقین

کمتر از معنای دوم محسوب کرد.

من بی معنی ناب زیستن نتوانم

بی باده کشید بار تن نوانم

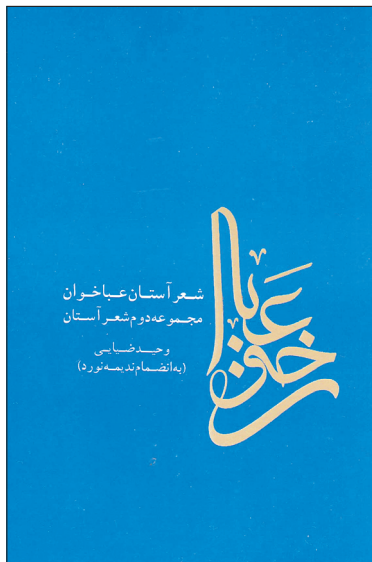
من بنده آن دمم که ساقی گوید

یک جام دگر بگیر و من نتوانم



## نوعی شطح نوین

سراغ ندارید. خدا را شکر جوان جویای نام این هفته نقدینه از این نوع نمونه‌ها نیست و حید ضیایی در خانواده فرهنگی بزرگ شده از شعر و روزنامه‌نگاری شعر را برگزید و گاه ترجمه شعر را مادر گرمی‌شان نیز سرکار خانم مهین تاج جباری طوی همراه معلمی کتاب چشمه باشی... شامل داستان و خاطره و قطعات ادبی را به چاپ رسانده است و حید ضیایی چندین کتاب شعر و ترجمه و لوح فشرده شنیداری در



زمینه موضوعات ادبی و فرهنگی منتشر کرده است و نوعی از نوشته‌های ادبی خود را که تلفیقی از شعر و داستان می‌باشد با عنوان شعر

در هر شهری و استانی جوانان بیش فعالی یافت می‌شوند که یک پارچه آتش‌اند و شعله‌ور از شور و شعر و شعور.

گاه مجله ادبی در می‌آورند گاه شاعر و بانی کارگاه‌های ادبی‌اند. گاه نماینده می‌نویسند و بعضی اوقات ترجمه می‌کنند.

شنبه‌ها ترانه سرایی می‌کنند و پنجشنبه‌ها شاعر نوگرا می‌شوند، از شعر و شاعری که خسته شدند، عکاس هنرمند می‌شوند و عکس‌های موبایلی را در گالری یکی از دوستان به نمایش می‌گذارند و از نقد ادبی و هنری از خود بزرگتران برخوردار می‌شوند و هنوز در عکاسی جایزه اداره فرهنگ محل را نگرفته، خبر فیلمسازی او را می‌خوانیم و نامزد شدن فیلم مستند ایشان را در جشنواره صد ثانیه!

تا شماره‌اش را بگیری و بخواهی که برای تشویق، تبریکی بفرستی تازه متوجه می‌شوی که صدا و سیمایش از شبکه ۳ پخش می‌شود با عنوان خواننده نسل امروز که در انتهای برنامه در لابلای مصاحبه اقرار می‌کند آهنگساز و شاعر و تنظیم کننده این آهنگ خودشان هستند و قرار است در سریالی بازی کنند نه به عنوان خواننده بلکه در نقش یک نقاش هنرمند کویبسم که از طرف خانواده درک نشده و به اعتیاد روی آورده خلاصه اینکه در هر شهر و استانی جوانان مستعد و هنرمندی یافت می‌شود که اگر در یک رشته هنری فعالیت کنند و آموزش ببینند افتخار فردای ایران خواهند بود اما نبود امکانات و شاخه به شاخه پریدن‌ها و تبیلی و عدم مطالعه آنها را در نیمه راه زندگی هنری رها می‌سازد و از این جوان فعال در انزوای زادگاه خود فیلسوفی تولید می‌شود که در هیچ عطاری نمونه‌اش را

### بررسی مکاتب موسیقی کلاسیک دنیا - ۳۷

## اوقات و حالات در موسیقی عرفانی - سنتی



موسیقیدانان در ادراک و دریافت از هنر کهن ایران سعی کنند تا گوی سبقت را از یکدیگر ببرایند. عمده نغمات موسیقی ایران، اگر نه به طور کامل اما از حیث محتوا ریشه در همین دوران دارند.

گوشه‌های زابل، حصار، کرشمه، مویه، نیشابورک، ماورالنهر حجاز، مجسطی، دوگاه، نهفت، خسروانی، نوروز، محیر، آشور و ... در تمامی دستگاه‌ها، به راستی از حیث معنا، مؤکدا در عصر ساسانی و حتی قبلتر ریشه دارند. کیفیت مشخص موسیقی این عصر تأثیر عرفان خاص پارسی و احترام به پاکی ایزد و گرمی داشت طبیعت در مرکز تحولات هستی است و این حقیقت که انسان می‌تواند در مراقبه



مستمر و نیک‌خواهی، نیک‌بینی و خیراندیشی به معنای خاص کلمه مورد عنایات ایزد یکتا قرار گیرد. از همین روست که موسیقی هیچگاه در ایران، موسیقی سبکسری و تاما در خدمت تمنیات جسمی نبوده است.

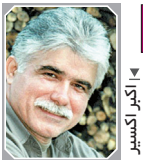
حال و هوای هستی شناسانه در هر یک از دستگاه‌های موسیقی سنتی ایران، علی‌رغم نوعی انسجام و وحدت کامل، دارای تفاوتی محسوس است که اتفاقاً همین تفاوت در بیان خاص هر دستگاه است که توانسته طی سده‌ها و هزاره‌ها همواره با حالات درونی نوازنده، خواننده و شنونده، کاملاً انطباق یابد و هیچ حس انسانی را نتوان یافت آن هم در کیفی‌ترین اشکال آن، که موسیقی ایرانی در بیان و توصیف آن ضعف داشته باشد.

هر دستگاهی در عین وحدت با تمامی مجموعه دستگاه‌ها و هر گوشه‌ای از ردیف موسیقی در عین همسویی با کلیت پیکره موسیقی، می‌تواند هویت مستقلی داشته و کاملاً امکان پیوندی رنگارنگ با تمامی گوشه‌های موسیقی دارد.

فی‌المثل همین امکان وحدت در عین کثرت است که گوشه‌ای خاص از دستگاه ماهور، نوا یا راست پنجگاه را امکان رهایی به دستگاه همایون، آواز اصفهان و یا دستگاه شور می‌بخشد (که به آن دلکش گفته می‌شود).

دستگاه‌ها در حقیقت نوعی کیفیت خاص هندسی است که به موسیقیدان اجازه می‌دهد تا در یک عالم خاص با مشخصاتی خاص، خلالت، تکنیک و تسلط خود را اغلب در پیوند با شعر به عرصه ظهور درآورد.

طی هزاره اول میلادی، تقریباً تمامی سرزمین ایران در پیوند با سیاست و دیانت، نوعی هویت خاص ملی را تجربه می‌کرد که همین مهم سبب آن شد تا اهل هنر و به ویژه



آستان به جامعه ادبی تقدیم نموده و آخرین نمونه آن مجموعه عبا خوان است از جاسر تا البوت نیز نمونه ترجمه و بازآفرینی شعر شاعران جهان است که با پیش رفتاری جامع از استاد کاظم نظری به چاپ رسیده آنچه به عنوان عمومی ناتنی یا برادر بزرگ بدوارث و بی‌وارث می‌توانم به وحیدجان دوست داشتنی بگویم این است که مجید دلپندم کم منتشر کن تا بتوانیم همه را بخوانیم اقلاً هر شش ماه یک کتاب!

عبا خوان مجموعه‌ای از شعر داستان (شعر آستان) و حید ضیایی است که در قطع پالتویی منتشر شده است.

استاد مفتون امینی، کسراعتقایی، زنده یاد منصور نبی مجیدی چندین نمونه داستان - شعر داشتند که در این میان بیژن نجدی به جای تلفیق شعر و داستان شعر را داستان گونه و داستان را شعر آلود کرد و موفق شد.

شعر آستان‌های وحید ضیایی چون پس‌زمینه طنز آلودی دارند، جذاب و خواندنی است هر چند نوع حروف و شیوه چاپ این کتاب مطلوب نیست اما رندی کلمات در ادامه این نوشته‌ها دست مخاطب را می‌گیرد و با خود بالا می‌کشد:

۲۴ بار خواب دیده‌ام/ به اهرام می‌رسم/ به جایی شبیه شمال/ با شال دور گردنم/ بیست و چهار ساعت چقدر زود می‌گذرد/ دیروز همین وقت‌ها/ کادوی تولدم را دادی/ دادی که نه/ خواستی بدهی/ سال به سال به تو نگفتم/ باز هم مثل نهالی می‌مانی سیب‌های.../ عبا خوان نوعی شطح نوین از عارفان جوان سال است که احمد عزیزی کفش‌های کاشف‌اش را در این راه گذاشت و به کما رفت یاشاسون!

### زمان و موسیقی، معنای هنر پارسی

شکی نیست که زمان به مراتب بیش از یک قرارداد بشری برای تقسیم حرکت زمین در پهنه افلاک بوده و کیفیتی در خود مفهوم زمان قرار دارد که همه ابعاد وجود مادی، محسوس و حتی واقعیات معقول وقتی صیوریت ذهن و خرد ما را از بدو تولد اکنون به طور مداوم (حتی هنگام خواب یا بیهوشی) شکل داده است. مردمان و حکمای عصر باستان و به ویژه هنرمندان حکیم در سرزمین‌های هند و ایران، مفهوم زمان را به خوبی لمس کرده و در تمامی عرصه‌های هنر ایران حقیقت را تسری دادند که انسان همواره متأثر از جهان درون و بیرون خویش است و این هر دو در بطن زمان وجود و تغییر می‌یابند.

ادامه دارد

### در محضر مشفق

«پرویز بیگی حبیب آبادی

بخشی بیست و یکم



[استاد مشفق کاشانی:]... بالاخره بعد از سکونت کامل در تهران و سرو سامان دادن نسبی به زندگی، کارم را در اداره کل حسابداری وزارت فرهنگ ادامه دادم اما مسئولیت‌های قبلی را نداشتم و به عنوان یک کارمند ساده تلقی می‌شدم. در آن زمان ساختمان وزارت فرهنگ در خیابان اکباتان بود. این ساختمان از بناهای زمان قاجاریه بود که قبلاً به مسعود میرزا ظل السلطان تعلق داشت. شهرت داشت که رضاخان سردار سپه این ساختمان را خریداری کرده و سپس به وزارت فرهنگ و اوقاف واگذار کرده است. در آن موقع معروف بود که ظل السلطان و مزدوران او فجایع زیادی را در آن ساختمان انجام داده و بسیاری از مردم را به عناوین و بهانه‌های مختلف در همان‌جا به قتل رسانده‌اند. فجایع ظل السلطان در اصفهان نیز معروف بود. او بسیاری از سران بختیاری را در اصفهان با قهوه فجری مسموم کرد و از میان برداشت. آن موقع هم شایع بود که چاهی در آن ساختمان قرار داشته که اجساد مقتولان را در آن چاه می‌انداخته‌اند.

در انتهای ساختمان وزارتخانه زیرزمینی قرار داشت که چاپخانه‌ای نیز در آن بود. این چاپخانه قبلاً متعلق به حزب توده بود که پس از متلاشی شدن آن حزب، در اختیار وزارت فرهنگ قرار گرفته بود. یک روز وسط یکی از اتاق‌ها کمی فروکش کرد. بعد از بررسی وقتی که کف اتاق را برای تعمیرات برداشتند، چاه عمیقی پیدا شد. در آن چاه مقداری استخوان‌های پوسیده و جمجمه اجساد قرار داشت که وقتی بخشی از آن را در می‌آوردند، من از نزدیک شاهد بقایای اجساد بودم.

ظل السلطان بسیار قسی‌القلب بوده است. معروف است که در کودکی گنجشک‌های کاخ گلستان را می‌گرفته و چشم‌های آن زبان بسته‌ها را با میخ از حلقه درمی‌آورده است، بعد آنها را پرواز می‌داده و از پرواز کور و خوردن گنجشک‌ها به دیوارها و درختان لذت می‌برده مشهور است تاجری از اصفهان نزد ناصرالدین شاه شکوائیه‌ای می‌نویسد که ظل السلطان اموال او را برداشته و پولی پرداخت نکرده است. ناصرالدین شاه در پایین نامه به ظل السلطان تأکید می‌کند که پول تاجر را بدهد. وقتی که تاجر بینوا نامه را به اصفهان نزد ظل السلطان می‌برد، وی پس از خواندن نامه می‌گوید: «تو تاجر پُر دل و جرّاتی هستی» و دستور می‌دهد. قلب او را از سینه بیرون بیاورند تا ببیند چقدر پُر دل و جرّات بوده است. لحظاتی بعد جلدان او قلب تاجر را در سینی می‌گذارند و به نزد ظل السلطان می‌برند.

**\* برگردیم به شرایط کاری شما در اداره فرهنگ و موضوعات بعد از آن.**

... به، عرض کردم به‌عنوان یک کارمند ساده در وزارتخانه کارم را ادامه دادم و زیر نظر شخصی به نام سید ابراهیم رهنمون که معاون اداره کل حسابداری بود، انجام وظیفه می‌کردم. وی پس از یک‌ماه متوجه فعالیت چشمگیر من شد و به همین دلیل مسئولیت تنظیم اسناد را بر روی فرم‌های مخصوص به من واگذار کرد. البته پنج سال بود که این کار انجام نشده بود و بنابراین حجم عظیمی داشت. من با کمک چند نفر موفق شدم تراز هزینه‌های انجام شده را که باید به دیوان محاسبات تسلیم شود، ظرف سه ماه تهیه کنم. مدیرکل امور مالی آن اداره شخصی به نام مستوفی و از خانواده معروف مستوفی‌ها بود. وی مرا بسیار تشویق کرد. در حین انجام کار در دانشگاه نیز ثبت‌نام کردم.

**\* ثبت نام در دانشگاه تابع شرایط خاصی بود؟**

... به دلیل تلاش فراوانی که در امور اداری انجام داده بودم، معرفی‌نامه‌ای گرفتم و در سال ۱۳۳۴ به دانشکده تازه تأسیس شده علوم اداری در دانشکده حقوق راه یافتم. در دانشگاه با تلاش و کوشش فراوان با داشتن زن و فرزند و کار در اداره و فعالیت شعری در انجمن‌ها، تحصیلات خودم را تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته حسابداری و بودجه ادامه دادم و در سال ۱۳۴۰ فارغ‌التحصیل شدم. اگر چه از این رشته تحصیلی راضی نبودم ولی داشتن همین مدرک در ارتقاء به شغلی بالاتر در همین رشته موثر بود.

ادامه دارد



# افطاری تلویزیون روی سفره رمضان



۱۴ هوشیار فریاد

اقتباس در هنر

## اقتباس چیست؟

۱۲

سلخ:

در اصل به معنی پوست باز کردن و المام، به معنی قصد کردن و نزدیک شدن به چیزی است، و در اصطلاح آن است که فکر و مضمون نظم یا نثر را از دیگری بگیرند و آن را در قالب عبارتی دیگر بریزند، بدون اینکه موضوع آن را تغییر داده باشند؛ چنان که مثلاً کتابی را که به سبک خود مؤلف نوشته شده است، با شیوه انشاء دیگر بنویسند و بدون اینکه نامی از مؤلف برده باشند، اصل آن تالیف را به خود نسبت دهند. این عمل جزو دزدی و خیانت فاحش ادبی شمرده می شود. اما هرگاه قصد تحریر و تنقیح داشته باشند و مثلاً کتاب مشکل مغلق قدیم را به نثر فصیح ساده قابل فهم امروزی تبدیل کنند (گویا معادل باز آفرینی امروز قلمداد می شود)، خود صنعتی بدیع و هنری ارزنده است. به شرط اینکه حق مؤلف اصل را فراموش نکرده باشند و بگویند که اصل کتاب از کیست و ما در آنچه تغییری داده و چه تصرفی کرده ایم، استاد همایی در پاورقی این توضیح را می دهد که: «صاحب المعجم سلخ و المام را از هم جدا کرده و تعریفی را که اینجا نوشته ایم، برای المام آورده است. سلخ را اینطور تعریف کرده است: معنی و لفظ فراگیرد و ترکیب الفاظ را بگرداند. و در المام گفته است: که معنی فراگیرد و به عبارتی دیگر و جعبی دیگر به کار بگیرد.» ۱۶

و همچنین ممکن است مضمون شعری از گوینده دیگری بگیرند و با حفظ موضوع مدح یا ذم و جد و هزل و تهنیت و تعزیت، آن را در قالب الفاظی دیگر بپورانند. و در این مورد بخصوص، مابین شعرا این قاعده معروف است که هر گاه شاعر دوم فکر و مضمون را بهتر و شیواتر از گوینده اول به نظم آورده باشد، نه تنها تهمت سرعت هنری بر وی نباید نهاد، بلکه شایسته است که خود او را صاحب آن فکر و مضمون بشناسند. اما در عین حال فضل سبق و تقدم برای گوینده قبل به حال خود باقی است. سپس همایی چند مثال ارائه می کند که خود محل تأمل است. بر چه مبنای معیاری شعر شهاب موید نسفی را کم فروغ تر از ظهیر فاریابی می توان دانست؟ ... مثالش، چنان که شهاب موید نسفی، گفته است:

همی پالید خون از حلقه تنگ زره بیرون  
بران گونه که آب نار پالایی به پرویزون  
ظهیر فاریابی، مضمون را از او گرفته و بهتر از او گفته است:

تویی که بر تن خصم تو درخ داوودی  
ز زخم تیغ تو پرویزی بود خون ریز  
همایی از هنر حسن تقلید و استقبال هم سخنی گذرا گفته است. ۱۷ اما علامه همایی، صراحتاً ذیل شرح و اژه «عقد» از اقتباس سخن می گوید: «عقد به معنی بستن و در اصطلاح اهل ادب آن است که سخن نثری را که از دیگری است، به رشته نظم در آورند. و این عمل در صورتی جزو سرعت محسوب می شود که شاعر در قصد ربودن فکر و لفظ و معنی نویسنده قبل باشد؛ اما اگر قصد اقتباس یا هنرنمایی در فن شعر و شاعری داشته و برای این امر قرینه ای در کار باشد، نه تنها داخل سرعت نیست، که آن را جزو هنرمندی ها و قدرت نمایی های طبع شاعرو داخل در محاسن کلام باید شمرد... علاوه می کنم که برای قرینه اقتباس، همین قدر کافی است که جمله نثر اقتباس شده، در ردیف امثال سائر و شبه مثل، چنان مشهور و شناخته شده باشد که احتمال سرعت و انتحال در آن نرود؛ مانند پاره ای از عبارات گلستان سعدی که اهل ادب آن را از برداردن و پیش ایشان به منزله مثل و شبه مثل است. پس اگر کسی آن قبیل عبارات را منظوم کند، چنان که نکته ای و لطیفه ای از دست نرفته باشد، کمال هنر و فضیلت است، نه انتحال و سرعت.» ۱۸

پی نویس:

۱۶ - المعجم: چاپ افست رشدیه ص ۶۶۹ - ۶۷۱  
۱۷ - همان، صفحه ۳۶۹  
۱۸ - همان، صفحه ۳۷۱ - ۳۷۲

ادامه دارد

بقیه از صفحه اول

گاهی به پشت سر نگاه کن

از نگاه خیلی از مخاطبان، گاهی به پشت سر نگاه کن، بهترین مجموعه امسال از حیث قصه و درام پردازی بود، ولی بد شانسی آورد و در زمانی روی آنتن می رفت که مخاطب کمتری به پای تلویزیون می نشیند. قصه خوب و استاندارد، کارگردانی مطلوب مازیار میری در کنار ترکیب خوب بازیگران و مهم تر از همه بازیگران روان و باورپذیر باعث شده تا سریال شبکه دو اثری خوش ساخت باشد. در واقع می توان گفت که این مجموعه، شاخصه های اصلی برای استاندارد بودن یک اثر نظیر قصه، کارگردانی و بازی خوب را دارد.

اگر چه در نگاه اول، قصه تک خطی گاهی به پشت سر نگاه کن، شاید ساده به نظر برسد (کینه دیرین دو شریک سابق)، اما قصه های فرعی کار و پرداخت درست هر کدام از آنها باعث شده تا مخاطب با اثری قابل اعتنا مواجه شود که در هر قسمت تقریباً شاهد یک غافلگیری باشد و تعلیق های درست استفاده شده در فیلمنامه نیز باعث شده تا کار با افت کمی به لحاظ جذاب و کیفیت مواجه شود. شاید کار درستی باشد که بعدها در زمان مناسب تری این سریال بازپخش شود تا مخاطبانی که فرصت تماشای آن را از دست دادند موفق شوند از تماشای آن لذت ببرند.

نیاز

امسال دو مینی سریال هم به مناسبت شب های قدر از تلویزیون پخش شد که اگر چه شتاب زدگی در تولید و تقریباً قصه تکراری داشتن را می توان ضعف آن محسوب کرد، اما در کل نسبت به مینی سریال های شب های اعیای چند سال اخیر، این دو اثر قابل قبول تر به نظر می رسیدند.

حسین سهیلی زاده در طول سال ها فعالیتش در تلویزیون سریال هایی با موضوع های اجتماعی، سیاسی، دینی، کودک و وطن ساخته است که از میان آنها می توان به سریال های جنگلبانان کوچک، خانه آرزوها، رستوران خوادگی آخرین گناه، ترانه مادری، دلوازان، فاصله ها، افزونه خواه کوچک، سه پنج دو، سراسر، روزهای اعتراض، آخرین دعوت، آوای باران و دختران خوا اشاره کرد. او برای شب های قدر مینی سریال نیاز را کارگردانی کرد که داستان چند زوج را به تصویر می کشید که هر کدام ماجراهای مختص به خودشان را داشتند. او معتقد است، روابط و شخصیت پردازی ها در سریال نیاز متفاوت و خارج از کلیشه های رایج بود. نیاز به واسطه قصه ملودراماتیکش و حال و هوایی که متناسب با زمان پخشش بود توانست جایگزین نسبتاً خوبی برای پایتخت باشد.

ساعت صفر

«ساعت صفر» به نویسندگی مشترک اصغر عبدللهی و سعید شاهسوری درباره سام شکرچیان، مردی ۴۵ ساله است

بقیه از صفحه اول

فیلم، نگاه غلیظی به گذشته دارد. چشم ها به گذشته دوخته شده، هر چه به مهر و عشق و دوستی ناب گره خورده، در گذشته جا خوش کرده، و یک جابه پایان رسیده. از حمید که دوستی قدیمی است و در گوشه های دنیا به زندگی خود خاتمه داده، تا علی که به نظر می رسیده گاری دار موفقی شود، اما در انزلی به آرایشگری مشغول است، از طعم آشی که مزه دیروز را ندارد تا خانه خاطره انگیز قدیمی و رنگ و رو رفته پدری. فیلمساز از نبودن طعم و رنگ و مزه رنج می کشد، و در گذشته به جستجوی آنهاست. گذشته و خاطره هایی که سرشار از عشق و زندگی اند و شاید هم دلخسته از رویاهایی که نتوانسته اند جایی در واقعیت بکشایند و بر واقعیت چیره شوند. آقای نجادی عاشق هم در یک قاب عکس متوقف شده؛ رفتن به خارج برای ادامه تحصیل او را از رسیدن به عشقی که در فاصله یک نگاه و مکالمه ای کوتاه شکل گرفته، دور ساخته و هیچ وقت هم مجالی برای ابراز احساس خود نیافته است. اما فرهاد؛ او حافظ خاطرات گلی است. آنچه به یاد دارد و آنچه به یاد ندارد. همه نشانی ها در جیب فرهاد است، هر چه به گلی ربط دارد. با این وجود، فرهاد چیزی را در ذهن گلی زنده نمی کند. نزدیکی این دو به هم فقط تنش را بالا می برد. شاید به این خاطر که گلی چیزهایی را به یاد می آورد و مجال فراموشی برایش تنگ می شود!

این تنش تا آنجا پیش می رود که گلی به کمک خوردن فرهاد هم رضایت می دهد. سرگردانی و ملال گلی چیزی کم از سرگردانی و ملال فرهاد ندارد، فقط کمتر خودش را با کسی در میان می گذارد. نه معلوم است برای چه رفته، نه معلوم است برای چه آمده؛ فقط جا عوض کرده، و این نشانه بارز ملالی است که او را در بر گرفته.

«نه بی تو، نه با تو» در اینجا سخن فیلسوفانه ای نیست، تفاوت فرهاد و آنتوان است در ابراز آنچه می خواهند. آمدن گلی هم به یک تغییر، به یک تحول و یک دگرگونی در فرهاد منجر نمی شود فقط مواجهه ای رخ می دهد که سرانجام به تشیع

که غرق در کار و تجارت است. او به واسطه ناکامی در یک معامله کلان به شدت عصبانی و آشفته است. این آشفته گی باعث می شود تا او در راه شمال با یک وانت تصادف کند و این آغاز ماجراست... ساعت صفر که قبل قرار بود به نام «فراموشی» روی آنتن برود، به جای مجموعه دردمسر های عظیم پخش شد که در نسبت با نیاز توجه مخاطبان کمتری را به خود جلب کرد؛ در حالی که سریال ستایش سلطانی مورد توجه قرار گرفته و سری دوم آن نیز ساخته شده بود.

ب- برنامه های ترکیبی

برنامه های ترکیبی در ماه رمضان، بدون شک، یکی از پر بیننده ترین برنامه های تلویزیون محسوب می شود که گاهی تعداد طرفداران برخی از آنها از یک مجموعه نمایشی هم بیشتر می شود.



ماه عسل

ماه عسل که چند سالی است دیگر به یک برند تلویزیونی بدل شده، امسال در همان اولین قسمت با جنجال واکنش مواجه شد و حاشیه سازی ها پیرامون آن شکل گرفت. قصه مردی که برای اثبات عشقش، خودش را از بلندی پرت کرده بود، موجی از واکنش های ضد و نقیض را با خود به همراه داشت که این جنجال ها با دعوت از یک مدلینگ عروس در برنامه به اوج خود رسید. واقعیت این است که ماه عسل و دست اندر کارانش، باید هر دو طیف موافقان و مخالفان را معیاری برای سنجش و ارزیابی برنامه خود قرار دهند و از نقدهای مخالفان نرنجند که این نقدها حتی اگر ریشه در غرض ورزی احتمالی هم داشته باشد، نشان از تأثیر گذاری و اهمیت برنامه دارد. نقدها را باید عیاری گرفت، نه عاری بر برنامه، تا ماه عسل به زهر بدل نشده و نوشش به نیش مبدل نشود. با بهره گیری از ظرفت های خلاقانه باید از این ظرفیت رسانه ای بیشترین بهره را برد. به مخالفان ماه عسل باید گفت که می شود با آن مخالف بود، اما نمی توان نایده اش گرفت.

دعوت

یکی از برگ برنده های شبکه یک در ماه رمضان امسال، اجرای جواد رضویان مجری و یژه برنامه افطار شبکه یک به نام «دعوت» بود. ظاهراً رویکرد اکثر شبکه های تلویزیونی امسال تولید برنامه هایی با فضای شاد و بانشاط تر بود تا تجربه

## تکاهی به فیلم «در دنیای تو ساعت چند است» آرام گرفتن یک خاطره

آخرین و سنج ترین خاطره ختم می شود.

رنگزدن در و دیوار خانه، نشانه ماندن گلی است و مصمم بودن او برای اقامت در شهر خاطره انگیزش با کشیدن دستی است به خاطره ای قدیمی، و سپس رفتن؛ نه خاطره ها و نه فرهاد، آنچنان برای دختر حوا، گیرایی ندارند که او را به تصمیمی برسانند. فرهاد خودش هم یک خاطره تمام عیار است و چنان با خاطره ها زندگی کرده که خودش هم شده یکی از آنها. هست اما نیست!

هنوز با چند ظرف و سطل آب زیر آسمان نشسته و چشمش به آسمان تیره است، بلکه ببارد؛ به نظر فیلمساز تا قبل از پایان بندی خیلی جلوی خودش ایستاده اما در پایان بندی، وجه عاطفی به نسام اینکه هنر می تواند مجالسی برای رویاها بگشاید، خودش را تحمیل کرده است! اما ماندن، آرام گرفتن و گلی نیست. آرام گرفتن یک خاطره و پیوستن آن است به جمع خاطرات. نفرین بر آن اندیشه ای که تو را به لمس آنچه/دیگر احساس نمی کنم می رساند، ولی هراس ندارم از آنچه احساس کرده ام/و نیز از بیاد آوردن آن. دیگر سخن مگو. می روم...

(بر گرفته از کتاب «فاوست» ترجمه علی عبدللهی و علیرضا زارعی)

\*\*\*

جا دارد به یک نکته هم درباره اکران این فیلم اشاره کنم و آن اینکه، این فیلم با محدودیت هایی در تبلیغات مواجه بوده؛ زیرا از مهم های تلخ برخی افراد و نهادها موجب شده که این فیلم را در حال و هوایی پر رنگی و بیاد دور از وطن و فرهنگ ما از بازی کنند که ادعاهای بی اساسی است و آمدن یک مسافر از فرانسه، چند دیالوگ به زبان فرانسوی و یا موسیقی زیبای رشتی-پاریسی، دلیل های سستی برای چنین ادعاهایی هستند.



۱۲ سید شامانی

سخت روزه داری در روزهای گرم تابستان را آسان تر کند و انتخاب جواد رضویان برای اجرای برنامه دعوت نیز از این جهت صورت گرفت.

البته در کنداکتور، این برنامه در زمانی قرار گرفت که با ماه عسل همپوشانی پیدا نکند. با این حال به نظر می رسد که با وجود حضور رضویان به عنوان مجری و فضای مفرحی که برنامه داشت، خیلی دیده نشد. در واقع برخلاف تصور تهیه کنندگان دعوت که بر این گمان بودند این برنامه به شدت جسی خود را بین مخاطبان باز کرده و به برند برنامه های ماه رمضان شبکه یک در سال های آینده بدل می شود، این اتفاق نیفتاد. شاید هنوز برای تبدیل شدن به برند تلویزیونی، دعوت به زمان بیشتری نیاز دارد. چنان که این اتفاق برای ماه عسل هم رخ داده بود.

خندوانه

اگر چه خندوانه، ویژه برنامه ماه رضانی نبود، اما در ماه رمضان به شکل ویژه، قبل از افطار روی آنتن رفت تا به رقیب ماه عسل در شبکه سوم بدل شود. برنامه ای که فضایی شاد و صمیمی داشته و محور آن خنده و شاد بودن است و این اتفاقا با ماه رمضان که جشن و مهمانی خداست، تناسب بیشتری هم دارد. خندوانه البته بیش از این، مخاطبان خود را پیدا کرده و در دل آنها جایز کرده بود و نیاز چندانی به جذب مخاطب نداشت و توانست با همان ساختار قبلی به خلق گفت و گوهای شاد و پر نشاط دست بزند و یکی از پر مخاطب ترین برنامه های ترکیبی را از آن خود کند. البته تغییرات کوچکی هم در برنامه ایجاد شده بود؛ مثلاً حضور غرو و سسک جناب خان کمتر نگز شده بود. برخی به این مساله انتقاد داشتند. هر چند به نظر می رسد که حال و هوای ماه رمضان موجب شده بود تا برنامه بیشتر به سوی گفت و گوها سوق پیدا کند. بسا این حال برخی به همزمانی دو برنامه تاکشویی پر مخاطب انتقاد داشته و آن را موجب ریزش بخشی از مخاطبان برنامه می دانستند. از سوی دیگر اما برخی آن را رقابتی سالم بین شبکه های تلویزیونی دانسته که موجب می شد هم مخاطبان حق انتخاب داشته باشند هم دست اندر کاران برنامه برای جذب مخاطبان بیشتر در جهت ارتقای کیفی آن بکوشند. البته برنامه های ترکیبی دیگری هم در تلویزیون وجود داشت. کوی محبت، نوسفران، ماه خدا، شهر خدا، سمت خدا، قبول باشه و... نمونه دیگری از این برنامه های ترکیبی بودند که در این میان نوسفران به عنوان برنامه سحر اولی ها با اجرای جواد هاشمی مورد توجه بیشتری قرار گرفته بود. با این حال باید پذیرفت که اگر چه حجم و ترافیک برنامه های مناسبتی امسال زیاد بود، اما واجد تنوع و سطح کیفی بهتری شد و می توان به عملکرد صدا و سیما در ماه رمضان امسال نمره قبولی داد.

۲. آندره کنت - اسپونویل، استاد فلسفه دانشگاه سوربن پاریس در کتابی خواندنی با نام: «۸۰ ساله ای کوچک در باب فضیلت های بزرگ»، به اخلاق عملی پرداخته و به فضیلت هایی نظر دارد که به تعبیر وی «واقعاً مهم ترند یا باید مهم تر باشند»؛ و از این رو رساله ارزشمند خویش را با «ادب» آغاز می کند و بسا «عشق» پایان می دهد. وی تأکید دارد که «اندیشیدن درباره برتری فضیلت ها، یعنی اندیشیدن در مورد کمبودها و بدبختی های ما» و می افزاید: «این اولین قدم و شاید تنها قدمی باشد که می توان از این کتاب انتظار داشت». به تعبیر وی غایب بودن عشق در بیشتر وقت ها، شاید هم همیشه، چیزی است که وجود رساله او را توجیه می کند. آندره کنت - اسپونویل در آخرین جمله های بخش پایانی کتابش می نویسد: «وقتی عشق موجود است، سخن گفتن از اخلاق به چه درد می خورد؟ سنت اگوستین می گفت: "بهترین و کوتاه ترین تعریف فضیلت چنین است: فرمانبرداری از عشق." ولی عشق، بیشتر وقت ها، به علت نبودنش می درخشد، درخشش فضیلت ها و تاریکی زندگی های ما از همین جاست؛ درخششی فرعی، تاریکی ای اساسی، ولی نه تمام عیار. تقریباً همه فضیلت ها جز در اثر نبود عشق در ما قابل توجیه نیستند. فضیلت ها، از پر کردن خلأیی که آن ها را به روشنی نمایان می سازد، ناتوانند؛ همان چیزی که وجود آن ها را ضروری جلسه می دهد، اجازه نمی دهد، به خودی خود کافی به شمار آیند. بدین گونه است که عشق ما را به سوی اخلاقی می کشاند. بدین گونه است که اخلاق ما را به سوی عشق می برد، و به ناچار، خود به آن گردن می نهاند.» من فیلم «در دنیای تو ساعت چند است» ساخته صغی یزدانیان را خیلی دوست داشتم و از زمانی که تصمیم گرفتم چند کلمه درباره آن بنویسم، کتاب و حرف های آندره کنت - اسپونویل همواره جلوی چشمم بود. فکر می کنم در این روزگار نیاز داریم که همواره کسی برایمان یک قصه عاشقانه بنویسد، یک شعر عاشقانه بسراید، یک فیلم عاشقانه بسازد، ما را به تماشای یک منظره عاشقانه دعوت کند و... صغی یزدانیان نیز این کار زیبا و ستودنی را انجام داده است.



گذری بر نمایشگاه گروهی عکس «جوان تر از زندگی» در گالری شیرین

## سکوی پرتاب عکاسان به دنیای حرفه‌ای

گالری «شیرین» از دوم تا چهاردهم مرداد میزبان نمایشگاه گروهی عکس با عنوان «جوان تر از زندگی» است. در این نمایشگاه، عکس‌هایی از ۴۶ عکاس نه چندان شناخته شده ارائه شده است. ویژگی عمده نمایشگاه «جوان تر از زندگی» در این است که هیچ یک از عکاسان آثار آن، با وجودی که در کار عکاسی مبتدی و آماتور نیستند اما با تجربه برگزاری نمایشگاه از آثارشان را تاکنون نداشته‌اند و یا این که به صورت

نمایشگاه کنونی عکس و از ۱۹ تا ۳۱ تیر برگزار شد. برگزاری نمایشگاه مجسمه با همکاری انجمن هنرمندان مجسمه ساز و با نظارت و انتخاب آثار توسط محمد حسین عماد، رزینا شرف جهان و بهداد لاهوتی صورت گرفت. نمایشگاه گروهی نقاشی نیز بلافاصله پس از نمایشگاه عکس و در شانزدهم مرداد با عنوان «نقاش راوی» برگزار می‌شود و برای این نمایشگاه نیز «فرید مرشدزاده» و تحت نظر «شیرین پرتوی» مدیر



پرتعداد نمایشگاه برگزار نکرده‌اند؛ از این رو در عرصه فعالیت های هنری کشور چندان شناخته شده نیستند. «هومن نوبخت» گردآورنده عکس های این مجموعه در یادداشتی که بر دیوار نمایشگاه نیز نصب شده بود، آورده است: «جوان تر از زندگی» درباره تازه نفس ها است. درباره امکان نمایش و دیده شدن. یادآور بسیاری که این امکان را پیدا نکردند. «جوان تر از زندگی» سعی در گشودن دری دارد، تادیده شود و بیشتر و بیشتر برود. گردآوری این نمایشگاه، بدون موضوع بودن را می طلبد تا از تازه نفس ها، بتوان کاری بی واسطه و دور از سفارش دید. «جوان تر از زندگی» بناسبت به صورت دوره ای برگزار شود، با هدف ایجاد یک سکوی، که شاید بتواند مجالی برای پریدن باشد. با تشکر از دوستانم «شیرین پرتوی»، «علی بختیار»، «مهرداد افسری» و «صله ابوطالب» برای همراهی و هموارتر کردن راه «جوان تر از زندگی».

«ارشیا شریعتی» برگزارکننده نمایشگاه «جوان تر از زندگی» درباره برپایی این نمایشگاه می گوید: این نمایشگاه با هدف کشف استعداد های جدید و حمایت معنوی از هنرمندان خلاق و با استعداد اما گمنامی برگزار می شود که تاکنون فرصتی برای ارائه آثارشان در نمایشگاهی حرفه ای نداشته اند. حضور در نمایشگاه «گالری شیرین» می تواند یک سکوی پرتاب برای آنها باشد و اگر همت کنند می توانند پس از حضور در این نمایشگاه، کار خود را حرفه ای تر دنبال کنند.

شریعتی بیا بیان این که قرار است هر سال چنین نمایشگاهی از آثار گردآوری شده و با همین عنوان «جوان تر از زندگی» در گالری شیرین برگزار شود، ادامه می دهد: به طور کلی در نظر داریم هر سال در سه حوزه مجسمه، عکاسی و نقاشی روند برگزاری نمایشگاه های گروهی را در جهت کشف و معرفی استعداد های گمنام و ایجاد فرصتی برای ورود هنرمندان گمنام و اغلب جوان این سه رشته به عرصه حرفه ای تر فعالیت های هنری ادامه دهیم. نمایشگاه گروهی مجسمه با عنوان «سالانه مجسمه در میانه»، پیش از

گالری شیرین، آثار را انتخاب می کنند. در نهایت نیز قرار است این نمایشگاه سه گانه را به صورت کتاب منتشر کنیم.

برگزارکننده این نمایشگاه درباره انتخاب آثار برای نمایشگاه «جوان تر از زندگی» چنین توضیح می دهد: «مهرداد افسری» و «خانم «صله ابوطالب» تعدادی از شاگردان مستعد خود را برای این نمایشگاه معرفی کردند، هومن نوبخت نیز تعدادی دیگر از هنرمندان را شناسایی کرده بود و از آنها دعوت به ارسال آثارشان کرد. هنرمندان دعوت شده محدودیتی برای ارسال آثارشان نداشتند اما با هدف کسری آقای نوبخت با توجه به فضای کار و سبک آثار از آثار هر نفر حدود شش عکس انتخاب شد و پس از آن نیز انتخاب نهایی آثار توسط آقای نوبخت و خانم شیرین پرتوی انجام شد و به این ترتیب از هر هنرمند عکاس بین ۲ تا ۶ اثر برای نصب در

نمایشگاه گزینش شد. عکس ها در اندازه ۳۰×۴۵ هستند که بادر نظر گرفتن پاسپار تو و قباب آنها این اندازه به ۶۰×۴۰ افزایش یافته است. شریعتی راجع به قیمت آثار می گوید: قیمت اولیه آثار توسط خود هنرمندان تعیین می شد و با کارشناسی گالری شیرین قیمت نهایی آثار بین ۳۵۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برآورد شده است. تاکنون هم که فقط چند روز از افتتاح نمایشگاه گذشته خود ۱۳ اثر فروخته شده و خریداران این آثار را قشرهای مختلف جامعه تشکیل می دهند و شامل مردم عادی هستند که عکس های این نمایشگاه را برای هدیه دادن یا نصب روی دیوار منازل یا محل کارشان خریداری می کنند، تا مجموعه دارانی که باخريد این آثار مجموعه های هنری شان را غنی تر می کنند.



مریم نظری

در نمایشگاه «جوان تر از زندگی»، عکس هایی از نسرين ابريشمی، ستاره اسماعيل زاده، مریم اصغری، سهیل بهروزی، بهنام بهشاد، پارسا بهشتی، مرجان تبریزی، البرز تیمورزاده، اردشیر ثابتی، کارن جان نثاری، بابک حق، هوفر حقیقی، فرید خاد، دانیال خدایی، حامد خسروی، مسعود درودیان، فثانه رحیمی، فرشید ریاحی پناه، امید زاهدی، راحله زهرای، احسان زینعلی، مهدیه زینی اسکویی، طاهاسرای، رهام شامخ، بنفشه شیخ مرادی، میلاد صفاپخش، فهیمه صفاری، شاهین طلایی، هامون علیپور، کاوه علیرضایی، نیکو فرهانی، سبا قدیریان، مصطفی کاظمی مطلق، فرزام کشت پور، شاهین کمالی، محمدرضا ماندنی، امین محمدی، سارا مدقالچی، آریتا شمایخی، پویان مطیعی، ارشاد مظلومی، احسان مهدب، نازنین میرزاییگی، کامیار مینوکه، مهدی نظری و حامد نصرآبادیان به تماشا در آمده است.

بانگاه به این نمایشگاه و با وجود آشنا نبودن و زیاد به گوش نخوردن نام های بیشتر عکاسان این مجموعه اما می توان کارنامه ای از عکاسی امروز ایران را در عکس ها مشاهده کرد. در این نمایشگاه تعدادی از عکسها موضوعی اجتماعی دارند، اما غالب عکس ها با نگاهی مدرن و گاه انتزاعی عکاسی شده اند و این نگاه یا با عکاسی مستقیم از زوایای غیر متعارف و کمتر دیده شده از سوژه های واقعی بدست آمده و یا با استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری و با تلفیق چند عکس گرفته شده به وجود آمده است. بخشی از عکس ها نیز در رده عکس های مفهومی قرار می گیرند و در پی القاء و بیان معنا و مفهوم مورد نظر هنرمند عکاس هستند و تعدادی از عکس ها هم فارغ از هر نوع پیامی، فقط جنبه زیباشناسانه یک اثر هنری را امد نظر گرفته اند و احساس های مبهمی از دریافت زیبایی، و هم و خیال و رویا را به بیننده آثارشان انتقال می دهند.

در بیشتر عکس های این مجموعه می توان بارقه هایی از استعداد های عکاسی؛ شامل نگاه و زاویه دید عکاس به سوژه و همچنین در استفاده از تکنیک های نرم افزاری به کار رفته در عکاسی که سبب از میان برداشته



شدن مرز هنر عکاسی با دیگر هنرهای می شود را مشاهده کرد. عکس هایی که حاکی از آگاه بودن عکاسان گمنام و جوان آنها به روند و جریان هنر عکاسی در جهان دارد و در بسیاری از آنها می توان تلاش برای هویت بخشی به عکس ها را مشاهده کرد و در اغلب عکس های این مجموعه به راحتی می شد رد پای امضای عکاسانشان را یافت و گمنام بودن نام عکاسان این آثار در عرصه نمایشگاه های هنری کشور دلیلی بر بی هویتی عکسهایشان در این نمایشگاه محسوب نمی شد.

نمایشگاه گروهی عکس «جوان تر از زندگی» تا ۱۴ مرداد از ساعت ۱۱ تا ۱۹ در گالری شیرین به نشانی خیابان کریم خان زند، خیابان سنایی، کوچه سیزدهم، شماره ۵ دایر است.



## طنز در بوستان سعدی



محمّدعلی علیوی

ایمن همه دقت در روان کاوی اشخاص در موقعیت ها و رفتارهای مختلف فقط از عهده معدود استادانی نظیر سعدی برمی آید.

نکته مهم داستانی دیگر که در حکایت های کهن رابع و معمول نبوده، بلکه خاص داستان نویسی جدید است، این نکته است که اشخاص داستان های جدید دچار تحول - مثبت و یا منفی - می شوند. یعنی تجربه ها و شنیده ها و دیده ها باعث می شود که شخصیت داستان در انتها، همان شخصیت ابتدای داستان نباشد، زیرا انسان متأثر از شرایط بیرونی است و به همین دلیل رفتارهایی متفاوت و حتی متضاد دارد. شخصیت شاه نیز بر اساس تجربه تلخش در شب قبل و نیز بر اثر شنیدن گفته های حق که هرگز از درباریان آفرین گو و متعلق خود نشنیده بوده است، متحول می شود و تحت تأثیر شجاعت، دلیری و راستگویی پیرمرد قرار می گیرد که در زیر تیغ می گوید:

«چرا خشمم بر من گرفتی و بس؟  
منت پیش گفتم، همه خلق پس  
چو بیداد کردی توقع مدار  
که نامت به نیکی رود در دیار...  
ترا نیک پنداست اگر بشنوی

وگر نشنوی، خود پشیمان شوی»  
با این جزئیات و با آن تجربه های رودرو و مستقیم شاه با واقعیت هاست که به طرزی طبیعی دگرگون می شود و:

«شه از مستی غفلت آمد به هوش  
به گوشش فرو گفت فرخ سروش  
کزین پیر، دست عقوبت بدار  
یکی کشته گیر از هزاران هزار  
زمانی سراندر گریبان بماند  
پس آنگه به عفو آستین برفشاند  
به دستان خود، بند ازو برگرفت

سرش را ببوسید و دربر گرفت»  
از «فرخ سروش» می شود تاویل ضمیر ناخود آگاه را نیز داشت که از لایه های پنهانی شخصیت شاه، سربرمی آورد و با او گفتگو دارد که «فرض کن این پیرمرد را نیز همچون هزاران نفر دیگر کشتی، مگر چه خواهد شد؟»

می بینیم که استاد سخن و داستان، تغییر و تحول شاه را مبتنی بر دلایل عینی و ذهنی و به تدریج می آورد تا بدین ترتیب یکی از بهترین داستان های طنز اجتماعی در ادبیات ایران ساخته شود.

باب دوم

### در احسان

حکایت:

شنیدم که یک هفته ابن السبیل<sup>۱</sup>

نیامد به مهمانسرای خلیل<sup>۲</sup>

ز فرخنده خوبی نخوردی پگاه<sup>۳</sup>

مگر بیوایی درآید ز راه

برون رفت و هر جانبی بنگرید

بر اطراف وادی؛ نگه کرد و دید

به تنها یکی در بیابان چوبید

سرو و میش از گرد پیری سپید...

... بفرمود و ترتیب کردند خوان

نشستند بر هر طرف همگنان

چو بسم الله آغاز کردند جمع

نیامد زپیرش حدیثی به سمع<sup>۴</sup>

چنین گفتش ای پیر دیرینه روز

چو پیران نمی بینمت صدق و سوز!

نه مرطست وقتی که روزی خوری

که نام خداوند روزی بری؟...

... سروش آمد از کردگار خلیل

به هیبت ملامت کنان؛ کای خلیل

منش داده صد سال روزی و جان

تو را نفرت آمد ازو یک زمان

گر او می برد پیش آتش سجود

تو واپس چرامی بری دست جود؟

پی نویس:

۱- در راه مانده

۲- لقب حضرت ابراهیم (ع)

۳- صبح زود و در اینجا به معنی صبحانه

۴- دره، صحرا

۵- گوش

ادامه دارد





نگاهی به مجموعه شعر «پدر»، سروده نعمت مرادی

## جای خالی ادبیات انتقادی در شعر امروز

ابراهیم عالی پور |

و انسان اگر پیکری از آب داشت دیگر گلوله‌ای شلیک نمی‌شد... نگاه شاعرانه‌ی حسن آذری و دغدغه‌ی انسانی وی در شعرهایی از این دست، توانسته است مرا به عنوان یک مخاطب حرفه‌ای مجاب کند که وی می‌تواند بسیار فراتر از آنچه در دو مجموعه نشان داده است، موفق عمل کند. به زعم من شعرهایی از این دست در دو مجموعه‌ی اخیر این شاعر یک سر و گردن بالاتر از دیگر شعرهای این شاعر عزیز است. شعرهایی که در آن‌ها قصد خودنمایی و جذب مخاطب به هر وسیله‌ی ممکن را ندارد و شعر و اندیشه و انسانیت را در اختیار هم قرار داده است.

از دیگر شعرهایی که می‌توانند در این مقال بگنجد می‌توان به شعر انتقال وراثت از مجموعه‌ی «بادها کجا می‌میرند» اشاره کرد. شعری که در سطرهای آن با نگاهی انسان محور و آمیخته با آموزه‌های تجربی و به دور از ژست‌ها و فیگورهای معمول، مواجهیم. شعری که کوشیده است انسانیت فراموش شده را به انسان تزریق کند.

«به پسر من نیز یاد می‌دهی / یاد می‌دهی که چگونه یک زن را از هر طرفی زیبا ببیند / یادش می‌دهی که در جهان / دو چیز هر کسی را می‌گریاند / اولی عشق است و دومی را / هر که خود انتخاب می‌کند» (بادها کجا می‌میرند)

اندیشمند بودن شعر حسن آذری در سطرهایی که نمونه‌اش را آوردم و نگاه ویژه‌ی این شاعر به مقوله‌ی انسان و تعالی، نه تنها برجستگی شعر وی بلکه در شعر امروز ما یک ویژگی محسوب می‌شود.

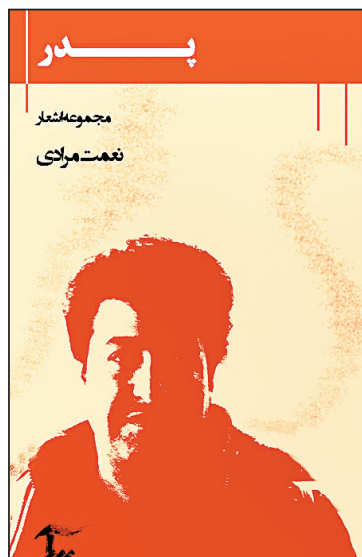
این روزها در شعر با تولیداتی مواجه می‌شویم که گاه نه تنها انگیزه‌ای جز شعرسازی و کتاب‌سازی ندارند بلکه در به وجود آوردن یک شعر نسبتاً موفق نیز عاجز هستند و از عهده‌ی کار عمومی شعر که همانا به وجود آوردن یک شعر است بر نیامده‌اند چه برسد به اینکه دغدغه و اندیشه‌ای والا نیز داشته باشند.

شعرهایی از این دست که به آنها اشاره داشتم (از حسن آذری) مخاطب را دچار شعف، برانگیختن تفکر، احساسات و عواطف انسانی می‌کند و بسیار قابل ستایش و ارزشمند خواهند بود. به حسن آذری عزیز برای آفریدن این دست از شعرها دستم‌ریزاد باید گفت و خالی از لطف نخواهد بود مرور دوباره‌ی این دو مجموعه و دریافت ابعاد دیگر آن، بدون توجه به اتفاق‌های ریز و درشتی که می‌توانست نباشد و اتفاق‌های دیگری که جای آن‌ها در شعر حسن آذری خالی است. «مواد غذایی / طعم سابق‌شان را ندارند / ما همه این را فهمیده‌ایم / آیا خاک / تفاوت ما را / پدرانمان خواهد فهمید؟»

نگاه روزمره به مرگ و دچار شدن مرگ به روزمرگی... این یک نگاه ویژه است. یک نگاه جریان‌پذیر و نافذ. هیولای مرگ به اداره می‌آید و گم می‌شود در رفتار آبدارچی، در چای ریخته شده در لیوان و باز به قوری برگشتن...

دغدغه‌های انسانی در شعر حسن آذری به مقوله‌ی جنگ نیز ورودی موفق داشته است. نگاه دیگر وی به مقوله‌ی جنگ و برجسته کردن بعد انسانی این پدیده و توجه به انسان و نه به جنگ ویژگی نگاه این شاعر است.

«باد / از خاک دشمن بر می‌داری / می‌آورد این سوی مرز / روز دیگر / باد مخالف / از این سو به آن سو می‌کند خاک را / کسی نبود به سربازها بگوید / به خانه‌های تان برگردید / و بگذارید جنگ را / بادها ادامه دهند» (سپیده دمی که...) بعد دیگر جنگ، جنگی که به چشم نمی‌آید و در آن انسانی کشته نمی‌شود. جنگ طبیعت با جنگ...



«به سربازهای وظیفه می‌مانیم / در طرفین خط مرزی / این چنین به هم نزدیک و / چه دور از یکدیگر» (سپیده دمی که...) و دوباره این مرزهای ساخته شده توسط خود انسان است که جدا کرده است انسانی را از انسانی دیگر. مرزهایی که ما برای خودمان تعریف کرده‌ایم و همین مرزهاست که به نوعی هراس انسان را از انسانی دیگر تشدید می‌کند.

«رد گلوله روی تن رود / چه زود خوب می‌شود / نگاه می‌کنم به پیشانی‌ات / به گلویت / که عکس را سوراخ کرده‌اند / و با خود می‌گویم ای کاش / ای کاش / ای کاش آدمی / پیکری داشت از آب» (سپیده دمی که...)»

بی‌شک در هر مجموعه‌ای از هر شاعری قوت و ضعف‌هایی وجود دارد که می‌تواند بیانگر ساختار فکری و نیز نشان‌دهنده‌ی سطح تجربه‌ی وی در دنیای پر پیچ و خم شعر باشد. دنیایی که راه یافتن به آن کار چندان ساده‌ای نیست. هر مجموعه‌ای از هر شاعری دارای اخلاق و رفتاری منحصر در شعر است و تفاوت‌ها در سلیقه‌ی مخاطب‌ها نقش بسزایی در معرفی یک مجموعه خواهد داشت. با نگاهی گذرا به تاریخ ادبیات و شعر می‌توان دریافت آثاری در این حوزه ماندگار شده‌اند که در ساختار فکری، زیستی، اجتماعی و علی‌الخصوص در حوزه‌ی تمایلات والای انسانی نفوذ داشته‌اند و نقاط مشترک بیشتری با مخاطب ایجاد کرده‌اند. در این مقال قصد دارم به بخشی از شعرهای حسن آذری در دو مجموعه‌ی اخیر وی توجه داشته باشم. سطرهایی که در ادامه قرار است به این مقال اضافه شوند، در واقع نقدی بر این دو مجموعه نیستند. در این سطرها و در این مجال نه درباره‌ی ساختار، فرم، محتوا و نه درباره‌ی هیچ یک از معیارهای نقد سخنی به میان نخواهد آمد. در این مقال کوشیده‌ام به بیان و برجسته کردن دغدغه‌ی انسانی حسن آذری بپردازم. شعرهایی که در عین شعر بودن، دردی مشترک با انسان و هنجارهای انسان امروزی دارند. شعرهایی که تنها به اتفاق شعری و نمایش شعر و قدرت شاعرانگی این شاعر اکتفا نکرده‌اند و به نحوی شایسته به انسان پرداخته‌اند.

«ما مثل دو سیم / ... / موازین تا ابدیم / در تیرهای برق / هر وقت کلاغی روی تو خوابید / به من نزدیک‌تر شدی» (سپیده دمی که...)»

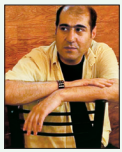
یکی از دغدغه‌های انسان امروز «فاصله» است. فاصله‌ای در عین نزدیک بودن. با هم بودن و برای هم نبودن. انسان‌هایی که مگر به اتفاق به هم نزدیک نمی‌شوند و این نیاز هر روز در انسان رنگ می‌بازد. نیاز عظیم با هم بودن. نگاه حسن آذری و یافتن این دست از خلأها و برجسته کردن آن‌ها نشان از شاعری می‌دهد که از هوش و ذکاوت بالایی بهره می‌برد.

«بایسد می‌رفتم از تو / از تسو و ارتفاعات چشمگیر / هیچ کس / در قله‌ای که فتح می‌کند / ساکن نمی‌شود» (سپیده دمی که...)»

انسان حریص، انسان تنوع‌طلب، انسان جستجوگر، انسان ضد انسان ... اشراف حسن آذری نسبت به آنچه می‌اندیشد برای شعر ستودنی است.

«مثل هر صبح / آبدارچی اداره / چهار لیوان پر می‌کند از چای / یکی را دوباره بر می‌گرداند به قوری / هرگز باید همین باشد / تا به غیابم عادت کنند / چند صبح / لیوانم پر و خالی خواهد شد؟» (سپیده دمی که...)»

### تازه های کتاب



«آکوردی برای صرف شام»، تازه‌ترین مجموعه شعر رسول یونان است که در بهار ۹۴ توسط نشر ثالث در دسترس دوستداران شعر سپید قرار گرفته است.

«باد و باران‌های تابستان»، «ماهی‌گیری از آکواریوم»، «صدای عبور واگن‌ها» و ... عنوان فصل‌های مختلف این کتاب است که هشتاد شعر این شاعر را در بر می‌گیرد.

(۱)

من دنیای واقعی را دوست دارم  
زیستن در ناممکن‌ها  
پیهوده و غم‌انگیز است  
نمی‌شود از رنگ دریا ماهی گرفت  
نمی‌شود از عکس درختان، میوه چید  
بر که‌های رویا  
پرنده‌گان را سیراب نمی‌کنند  
مرا ببخش!  
فراموش کردم  
نمی‌توانستم  
به دیواری در دوردست‌ها تکیه کنم.

(۲)

زنی رو برویم نشسته است  
اما من نمی‌دانم  
با کسی که نمی‌شناسمش  
از چه چیزی باید حرف بزنم  
مات و مبهوت  
به همدیگر نگاه می‌کنیم  
مثل دو تا مجسمه‌ی سنگی  
بالای سرمان  
دو تا قناری در قفس آواز می‌خوانند  
و در آوازهای همدیگر پرواز می‌کنند...



(۳)

کاش می‌دانستم  
خواب‌ها تا کجا ادامه می‌یابند  
یا  
بیداری از کجا شروع می‌شود؟!  
نمی‌دانم بودنت را باور کنم  
یا نبودنت را؟!  
کاش مزرعه‌ای از گل سرخ بود  
میان خواب و بیداری

## بوی تند اسید

سعیده اصلاحی |

صورت مثل موم می‌ریزد، روی سیمان و روی موزاییک

روی رخت و لباس آده‌ها، روی اجناس پشت یک بوتیک

صورت مثل موم می‌ریزد، روی سطح سیاه کامپیوتر

روی سی‌دی فیلم‌های مجاز، روی تصویر گر به‌های سونیک

صورت مثل موم می‌ریزد، هر طرف که سری تکان بدهی

گاه در ظریف‌های پخت غذا، گاه در اشک گاه، در ماتیک

می‌برم دست توی صورت تو، روسری از سر تو می‌افتد

می‌کنم با فشار دستانم، گوشت‌های لهیده را نزدیک

من به خوابی عمیق خواهم رفت، تو به خوابی عمیق تر اما

می‌کشم بر دهان گمشده‌ات، طرح یک انفجار با ماژیک

.....

صورت دختری است در باران، که شب از پشت شیشه می‌بیند

رد خون پدر حوالی حوض، مانده در وحشت شبی تاریک

صورت مادری است در مترو، که از اخبار صبح می‌شنود

واژگونی یک قطار بزرگ، حامل چند بچه در بلژیک

صورت حال کارگردانی است، که شب از روزنامه می‌خواند

مرگ جانکاه یک هنر پیشه، در پی قتل عام در مکزیک

صورت کودکی دبستانی است، که شبی سرد خواب می‌بیند

کرده در یک کلاس ده نفره، به سر دوستان خود شلیک

صورت تفرض غیر ممکن هاست، مثل این جمله‌ای که در ذیل است

مرگ مشکوک و تلخ پیکاسو، وقت تصویر کردن گرونیک

.....

بوی تند اسید می‌آید، روسری از سر تو می‌افتد

می‌چکد صورت تو در دستم، می‌رسند آه... افسران کشیک

### شعر کلاسیک





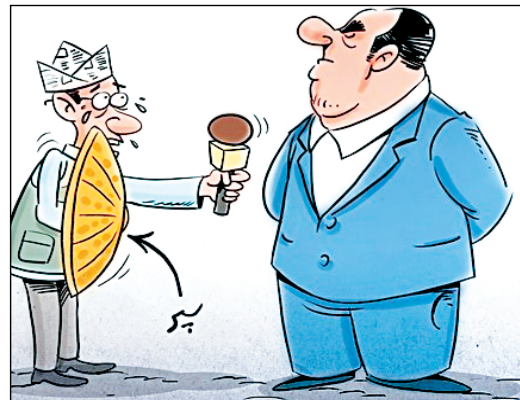
## به مناسبت ۱۷ مرداد ماه، روز خبرنگار

## مصاحبه\*



محمود سلطانی آئین

روز، روز خوبی بود. ساعت هم خوب بود. عصر روز پنج شنبه و خیابان ها هم شلوغ و پلوغ. همه جور آدمی توی خیابان در رفت و آمد بودند. زن، مرد، پیر، جوان، باسواد، بی سواد، خانه دار، راننده تاکسی، دانشجو، بیکار، استاد دانشگاه، کاسب، معلم، سرباز. خبرنگار تازه کار با بیش از صد نفر صحبت کرد تا سرانجام چند نفری از آنها حاضر به مصاحبه شدند. او هم متن سؤالی را که منشی سردبیر از توی رایانه چاپ کرده و به دست او داده بود، برای یک یک کسانی که حاضر به مصاحبه شدند مطرح کرد:



«همان گونه که می دانید، امسال یک مقام آگاه در برنامه پنجم توسعه، بیش از پنجاه درصد از مصرف داروها بدون دستور وزارت خارجه در پکن برگزار می شود. اینک در آستانه کشورهای آسیای میانه و عراق که موجب بیماری لیگ برتر این دوره از دستور کار گروه پنج بعلاوه یک اعلام کرده اوراق مشارکت مسابقات هندبال برای تسهیل ازدواج جوانان یک رقمی خواهد شد. بنابراین شاخص سهام فلزات در جشنواره فرهنگی دانشگاه آزاد از میدان راه آهن اندکی تا قسمتی ابری پیش بینی می اندازند. اینک از شما به عنوان پشت درهای بسته که تقدیر خواهد شد چگونه می توان امیدوار بود که ادغام وزارت رفاه در کالابریک شماره نهصد روستایی ویژه کودکان و استوارنامه خود را تقدیم یکی از بزرگان اهل تمیز به امضا رسید؟» سه چهار ساعتی صرف این سؤال و دریافت پاسخ های مردم شد. خبرنگار خوشحال و خندان به دفتر سردبیر برگشت و نوار مصاحبه را با یک یادداشت روی میز او گذاشت و خوشحال و خندان راهی خانه شد.

\*\*\*

صبح روز بعد، سردبیر پیش از هر کاری ضبط صوت را روشن کرد. با شنیدن متن سؤال، مخش سوت کشید. ضبط صوت را خاموش کرد. گوشی تلفن را برداشت تا خبرنگار را احضار کند و حساب او را کف دستش بگذارد، اما بلافاصله بر خودش مسلط شد. با خودش فکر کرد که بهتر است پاسخ مردم به این سؤال را هم بشنود. دو باره ضبط صوت را روشن کرد. جواب های مردم یکی پس از دیگری پخش می شد: چهل نفر، زن و مرد، پیر و جوان به این سؤال پاسخ داده بودند:

۱- همین؟ برو آقا خدا روزیات را...

۲- ببینم، دوربین مخفی؟

۳- خب خودتون به نکته خیلی خوبی اشاره کردید. اگه ما بپذیریم که نخواهیم خودمون یا دیگران را وادار کنیم که چرا و چگونه میشه شرایط را، نه اون طور که دشمنان دیکته می کنند، خود من به نفر می شناسم که بدون در نظر داشتن البته خودش قبول نداره، ولی نظر من اینه شاید شما یا دیگران جور دیکته ای بخواهید قضیه را از یک زاویه دیکه نگاه کنید. به قول ژان ژاک روسو، یا نه چرا راه دور بریم، یک سیب را که بالا بیندازیم البته می چرخه. خب حالا خود حدیث مفصل بخوان در این معضل!

۴- بگید سازمان بین المللی بیاد به داد من برسه آقا. سه ماهه که دارم میرم و میام. البته در خارج از کشور هم همین طوره. تا آنجایی که من می دانم. خودم که نفتم ولی.... بعله دیکه. حالا کی پخش میشه؟

\* برگرفته از داستانی به همین نام



امین زارعی

\* متولد ۲۴ بهمن ۱۳۶۴ - دورود لرستان

\* عضو هیأت مؤسس خانه کاریکاتور شهرستان دورود

\* نشانی وبلاگ: [www.pikaloamin.blogfa.com](http://www.pikaloamin.blogfa.com)

- ۷- به نظر من خود دولت عامل گرونی. میخواید اسمم را هم بگم؟
- ۸- اگر می شه یه بار دیکه سؤال را تکرار کنید.
- ۹- اینها همه شعاره. شعاره. هیچکس به فکر کارمند بیچاره نیست.
- ۱۰- شما خودت فهمیدی چی گفتی؟
- ۱۱- آقا، سه برابر شده. شاید هم بیشتر.
- ۱۲- ما که هر چی بگیم شما حرفهای خودتون را می زنید.
- ۱۳- ما از شما خیلی تشکر می کنیم که درد دل ما را به گوش مسئولان می رسونید. از مسئولان هم می خواهیم به فکر ما بیچاره ها باشند.
- ۱۴- سرسام آورده آقا. سرسام آور.
- ۱۵- البته همه باید در انتخابات شرکت کنند.
- ۱۶- آقای محترم، جوون ها را. جوون ها را. از ما که گذشت اما چی؟ جوون ها را.
- ۱۷- صد درصد. صد درصد.
- ۱۸- من سواد ندارم ولی از دولت تشکر می کنم.
- ۱۹- ما را گرفته ای.... ها.
- ۲۰- ما هم ناراحتیم آقا. همین دیروز یکی از همین هایی که گفتی زد به ماشین ما و خورد زمین. نزدیک بود بند ما بشه. تازه خسارت موتورش را هم می خواست.
- ۲۱- کنترل نیست آقا، کنترل نیست. اگر ضابطه در کار بود و کنترل می شد، همه اینهایی که شما گفتید درست بود.
- ۲۲- چرا این را می گید؟ خود من همین دیروز، برای گرفتن دارو، ده تا داروخانه را گشتم. نیس آقا. اون که می خوایم نیس.
- ۲۳- از شما چه پنهن خود ما هم از این تعطیلات زیاد خسته شدیم ولی چکار می تونیم بکنیم؟ کسی به حرف ما توجه نمی کند.
- ۲۴- البته بستگی داره. ببخشید من داره دیرم می شه.
- ۲۵- خب این بستگی به سلیقه افراد داره. من یه نفر هستم. چی بگم؟
- ۲۶- از خودتون بپرسید. کی تا حالا با مهریه سنگین خوشبخت شده؟ مگه ما زندگی نکردیم؟ مگر مهریه ما چقدر بود؟
- ۲۷- به نظر بنده سه میه بندی دردی را دوا نمی کنه. این یک اقدام مقطعی.
- ۲۸- من تازه به این محله اومده ام آقا. ببخشید.
- ۲۹- ببینم، اینها که گفتی یعنی چی؟
- ۳۰- آقا از قول ما بگید اینقدر ماشین تولید نکنند. ماشین زیاد مردم را کلافه کرده.

- ۳۱- همه چیز را دو برابر گرون می کنند اما چیزی نمی گند، همین که صنار کم کردند توی بوق و کرنا می کنند که ارزون شد، ارزون شد. قبول ندار؟
- ۳۲- من چی بگم؟ شغل خیلی سختی دارید؟
- ۳۳- والله من کسی را به این اسم نمی شناسم.
- ۳۴- زیر دیپلم صحبت کن ببینم چی می گید.
- ۳۵- من، شریکم اینجا نیست. نمی تونم چیزی بگم. ببخشید.
- ۳۶- ما که هر چی به شهرداری گفته ایم می گند با شرکت مخابراته.
- ۳۷- زوج و فرد باشه البته بهتره به شرط اینکه تبعیض در کار نباشه.
- ۳۸- اگه مرخصی سربازا را بیشتر کنند قانون هم بهتر می شه خب. هشت ماه خدمتم از سیرجان.
- ۳۹- البته انتقاد شرط آدمیته. همه باید با هم باشیم. من فقط اینا می دونم که باید با هم باشیم. همین.
- ۴۰- اتفاقا روی خوب چیزی دست گذاشتید. یک قطعه سی تومانی بعد از دو ماه شده صد و سی تومان؟ چقدر؟ صد و سی تومان!

\*\*\*

- سردبیر، نوار کاست این مصاحبه را با یک یادداشت برای دبیر سرویس اجتماعی فرستاد که روی آن نوشته بود:
- دبیر محترم سرویس اجتماعی
- ۱- مصاحبه روز جهانی کودک را خودتان کار کنید.
- ۲- از پاسخ هایی که مردم به مهملات این خبرنگار داده اند، برای مصاحبه های دیگر استفاده شود.
- ۳- عذر خبرنگار تازه وارد را بخواهید.

\*\*\*

- فردای آن روز، خانم منشی داشت از پشت تلفن ماجرا را با آب و تاب زیاد برای یکی دیگر از خانم های همکار تعریف می کرد که آن خانم از پشت تلفن گفت: باز دو باره؟ خیلی شیطونی به خدا. گناه داشت طفلک.



## از فرمایشات ما

## برندهای خارجی بروند توی صف!



ارضا رفیع

از قدیم گفتند آدم کور از خدا چی می خواهد؟... دو چشم بینا. و حالا اگر از هر آدم عاقلی، مثلاً خفیر، سؤال شود که بعد از توافقی هسته ای ایران با کشورهای اروپایی و آمریکایی ۵+۱ و احتمال برطرف شدن کلیه تحریم ها (در حدی که دیگر تحریم ها کلیه نداشته باشند)؛ شرکت های تجاری و اقتصادی اروپایی از خدا چه می خواهند؟ سریعاً عرض می شود که: بازار مصرف!

فلذاست که این روزها اگر سری به سایت ها و صفحات اینترنتی و تبلیغی شرکت های معروف و برند اقتصادی دنیا بزنید؛ ملاحظه می کنید که به محض استشمام بوی رفع تحریم ها از ایران، برای حضور در بازار اقتصادی ایران اعلام آمادگی کرده اند تا در مملکت ما شعبه بزنند و محصولات خود را در بازارهای ما آب کنند. بازارهایی که سالها با انواع جنس چینی تا حد نوع پنجل آن، پر شده بود و کم کم داشتیم به "ته چین" داخل قابلمه مان هم مشکوک می شدیم که مبادا از چین آب بخورد.

الان از شرکت های هواپیمایی دنیا گرفته تا خودرو و تلفن همراه و نوشابه و موز زیپ دار و بادمجان سفید و لواشک آلمانی، همه به صف شده اند تا در صورت باز شدن درهای بازار اقتصاد ایران، به سمت ما سرازیر شوند. همسایه ما دیشب رفته بود کلی کباب ترکی و فلافل خریده و خورده بود؛ از ترس این که شاید مک دونالد جایگزین آن شود.

حالا مساله اینجاست که مدیران اقتصادی ایران چه کار باید بکنند که به نحو احسن از این فرصت طلایی به نفع کشور و اعتلای اقتصادی آن استفاده کنند. نه می شود درهای بازار ایران را به روی برندهای خارجی بست که شست پایشان لای در گیر کنند؛ و نه هم باید اقتدر درها را باز کرد که از جا کنده شود و لولاهایش درآید. در بازارهای ما باز است، حیای شرکت های برند خارجی کجاش رفته؟!....

خدا را شکر، گویا که برخی از مدیران و مسوولان اقتصادی ما خودشان گوشی دستشان هست و دستپاچه نشدند. خیلی با آرامش حرفهای تشنگی زدند. مثلاً آقای یحیی آل اسحاق، مدیر اسبق اتاق بازرگانی در همین رابطه، حرفهای خوبی زده اند.

**حرفهای یک مدیر:** «نباید از ورود برندهای خارجی به بازار ایران دچار خوشحالی و خوش بینی مفرط شویم، بلکه باید با این حضور، عاقلانه و با برنامه برخورد کرد. باید با آنها مشارکت اقتصادی کرد که از این طریق آنها در ایران سرمایه گذاری کنند؛ نه اینکه صرفاً بگویند این کالاها را ما را بخرید و سپس خدا حافظ شما!...»

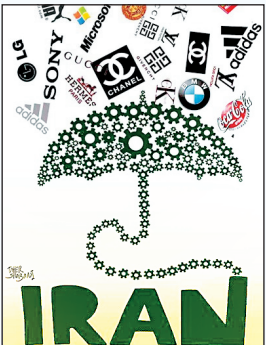
ملاحظه فرمودید؟.... ما یک همچین مسوولان اسبق اقتصادی گوش به زنگی داریم؛ تا چه رسد به مدیران اقتصادی سابق و زمان حال که بگویی ف، دریست تا فرحزاد رفتند.

**بسته پیشنهادی:** هر چند که خود مسوولان و مدیران اقتصادی مملکت بحمدالله حواسشان هست و نیازی به مشورت گرفتن از امثال ما به عنوان مشاور (و حداقل مشاور!) نیستند و ما را از گرفتن یک حقوق بابت مشاور بودن محروم کرده اند؛ اما از آنجا که ما فراتر از منافع میلی، به منافع ملی هم فکر می کنیم؛ در راستای برخورد مناسب با برندهای خارجی اقتصادی برای ورود به ایران هم عرایض معقولی داریم که عرض می کنیم:

۱- **ورود ملایم:** یک دفعه وارد ایران نشوند. بازار ما طاقت این همه برند غیرچینی را ندارد و دچار شوک می شود. خیلی آرام و آهسته قدم رنجه نمایند. بالاتشیه همان طور که چینی ها از در و دیوار وارد بازارهای ما شدند و تا تمامی سوراخ و سمبه های زندگی شخصی ما نفوذ کردند. فلذا؛ به سراغ من اگر می آید/نرم و آهسته بیایید/مبادا که ترک بردارد "چینی" نازک تنهایی من!

۲- **گرفتن مشارکت:** همانطور که مسوولان ما اشاره کردند؛ نباید مملکت ما فقط بازار خرید و مصرف محصولات برند خارجی شود و باز ما همچنان در مقام مصرف کننده صرف، حرف اول را بزنیم. باید از تجربه و توانایی آنها کمال استفاده را به عمل آوریم و با آنها در ساخت محصولات برند، مشارکت فعال کنیم. چرا ما فقط باید فلافل درست کنیم؛ خب اصول و فرمول و طرز تهیه خوراکی های مک دونالد را هم یاد بگیریم که کم کم خودمان شعبه های خودجوش مک دونالد را افتتاح کنیم. فوقش با اندکی جرح و تعدیل در نام؛ مثلاً بشود: مش دونالد!

۳- **رعایت صف:** چون الان پشت دروازه های بازار ایران شلوغ است و احتمالاً در ماهها و روزهای آینده، برندهای خارجی برای ورود به ایران از سر و کول هم بالا خواهند رفت؛ پیشنهاد می شود که هر کس نظم داخل صف را رعایت کرد و صف را به هم نزد، زودتر وارد بازار ایران شود. اگر هم بنا به هر دلیلی نتوانستند وارد شوند؛ محبت کرده صف را به هم نزنند. اینها روی بهبود روابط اثر دارد. به خصوص حالا که بوی بهبود روابط جهان می شنوم (نگارنده جوراب های خود را شسته و آویزان کرده است. پس کسی تشویش اذهان عمومی نفرماید. ما خودمان دفع دخل مقدار می کنیم، به چه توپی!)





تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۱۳ مردادماه ۱۳۵۴ (برابر با ۲۵ رجب ۱۳۹۵، ۴ اوت ۱۹۷۵) نقل شده است.

### بیش از یک میلیون تهرانی به سفر خواهند رفت

پلیس راه ژاندارمری پیش‌بینی کرد که در ۳ روز آینده ۲۵۰ هزار وسیله نقلیه بیش از یک میلیون تهرانی را به شهرهای ساحلی و بیلاقلات اطراف پایتخت منتقل میکنند. پلیس راه ژاندارمری برای جلوگیری از حوادث احتمالی رانندگی برنامه فوق‌العاده‌ای در جاده‌های شلوغ کشور اجرا خواهد کرد. بموجب این برنامه برای کنترل ترافیک راه‌های شلوغ در ۴ روز آینده از رادار، هلیکوپتر، بازرسان مخفی و اکیب‌های فوق‌العاده ماموران پلیس راه استفاده میشود.

### بزرگترین محترک تیریزی فراری شد

میلیونر معروف و صاحب بزرگترین کارخانه آرد تبریز که بارای کمیسیون امنیت اجتماعی به اتهام عرضه نکردن کالا و گران‌فروشی به یکسال زندان محکوم شده است هنوز فراری است.

صبح امروز اعلام شد، برای دستگیری «حاج علی اصغر» عکس‌وی تکثیر شده و به کلیه پاسگاه‌های انتظامی استان تحویل گردیده است.

خبرنگار اطلاعات در تبریز می‌نویسد: دیشب در اجتماع بازرگانان و صاحبان صنایع آذربایجان شرقی و فرماندار تبریز ایرج تبریزی معاون استانداری آذربایجان شرقی که با حضور در اتاق بازرگانی این شهر تشکیل شد، کلیه بازرگانان اعلام آمادگی کردند که چهل درصد نرخ ورق برنجی، پنج درصد نرخ چای مخلوط، و ده درصد نرخ چای محصول خارجی و پنج درصد نرخ پارچه‌های تریکو تولید کارخانه‌های داخلی را کاهش دهند. این کاهش به‌ماخذ نرخ‌های دیماه ۵۳ انجام خواهد شد.

### محترک اصفهانی، در اتاق خوابش سیمان انبار کرده بود

بارف محلودیت توزیع سیمان در اصفهان که در پی مسافرت هیات‌اعزامی وزارت بازرگانی به این شهر، انجام شده از عده خریداران سیمان در اصفهان کاسته شد و اکنون سیمان نه تنها به‌حد کافی در بازار اصفهان موجود است، بلکه خریدار چندانی هم ندارد.

احسانی سرپرست هیات‌اعزامی وزارت بازرگانی به اصفهان، در گفت و گوئی به خبرنگار اطلاعات در این شهر گفت: در گذشته عده‌ای محترک، با ایجاد بازار سیاه مصنوعی، و انمود می‌کردند که سیمان در بازار اصفهان کم است یا اصلاً وجود ندارد و به این ترتیب سیمان را گرانتر از نرخ تعیین شده می‌فروختند.

وی اضافه کرد: یکی از فروشندگان سیمان، حتی در اتاق خوابش انبار کرده بود.

### سرقفلی تاکسی در تهران ۲۵ هزار تومان سقوط کرد

گرامی هوا، ترافیک مسدود تهران و افزایش مبلغ جرائم رانندگی رغبت رانندگان تاکسی تهرانی را به تاکسیرانی چنان کاهش داده که عده زیادی از آنها در صدد فروش تاکسی خود برآمده‌اند.

رونی بازار حمل و نقل بین شهری که رانندگی با کامیون را یکی از پردرآمدترین حرفه‌ها کرده است، نیز در کاهش علاقه به تاکسیرانی در تهران تأثیر فراوان دارد.

چند هزار راننده تاکسی تهران در دو ماهه گذشته امتیاز تاکسی خود را به دیگران فروخته‌اند و به همین علت سرقفلی تاکسی در تهران که تا ۴۰ هزار تومان رسیده بود اکنون به ۱۵ هزار تومان تنزل کرده است.

### خریداری اراضی و ساختمان مدارس غیرانتفاعی

اداره کل آموزش و پرورش تهران دستور داد از تاریخ هیات‌های اماناء مدارس مشمول فرمان از پرداخت اجاره‌بهای این مدارس به‌صورت علی‌الحساب و با اجرت المثل خودداری کنند.

در تبصره ۷۰ قانون بودجه به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده شده است در اجرای فرمان آموزش رایگان، اراضی و ابنیه و تجهیزات مدارس غیردولتی مشمول فرمان را با جاره بگیرد و یا در صورت توافق خریداری کند و بهای آنها براساس قیمت عادلانه طبق نظر کارشناس، نقداً یا به اقساطی که حداکثر از پنج سال تجاوز نکند با احتساب بهره‌ای معادل بالاترین بهره اوراق قرضه با معافیت مالیاتی تعهد و پرداخت کند.

### قیمت گچ و آهک اعلام شد

قیمت گچ و آهک نیز امروز اعلام شد و کمیته‌هایی برای نظارت در فروش این مصالح ساختمانی آغاز به کار کرد.

### قیمت‌ها

گچ فله (کامیونی) پای کوره تنی ۱۱۰۰ ریال.  
منطقه یک ۱۲۲۳ ریال، منطقه دو ۱۲۵۳ ریال، منطقه سه ۱۲۸۳ ریال.  
گچ پاکتی: باکیسه تنی ۱۶۶۰ ریال، کرایه حمل باین رقم اضافه میشود.  
آهک تنی ۹۱۰ ریال پسای کوره، منطقه یک ۱۰۳۷ ریال، منطقه دو ۱۰۶۷ ریال، منطقه سه ۱۰۹۷ ریال.



کارگاه قالب سازی در بازار آهن شاد آباد در جنوب غرب تهران - عکس از داود قهردار

### فرق بین موفقیت و افراد موفق

موفقیت یک اتفاق است، در حالی که موفق بودن یک روحیه حاکم بر بعضی افراد است.

«لورنس لمیکس» در یک مسابقه قایقرانی به‌خاطر کمک به یکی از رقبای خود که برایش مشکلی پیش آمده بود از ادامه مسابقه بازماند.

این کار انساندوستانه او که جان انسان دیگری را نجات داد در مقابل چشم هزاران بیننده در سراسر دنیا اتفاق افتاد و مورد تحسین خاص و عام در سراسر دنیا قرار گرفت زیرا او با کار خود روحیه انساندوستی و ارزش‌های معنوی را که از اهداف برگزاری المپیک است به معرض تماشا گذاشت و در واقع عنوان قهرمانی واقعی را به دست آورد.

مؤلف: شبو خرا

ای جان خبرت هست که جانان تو کیست

وی دل خبرت هست که مهمان تو کیست

ای تن که بسه هر حیل‌ه ره‌می می‌جویی

او می‌کشدت ببین که جویان تو کیست

مولانا

● خشم و غضب را به درگاه مردان بااراده راهی نیست.

سقراط

● بزرگترین افسوس انسان زمانی است که می‌خواهد امانی تواند و به یاد می‌آورد زمانی را که می‌توانست اما نخو است.

زرتشت

### روزی که عمان بار دیگر ضمیمه ایران شد

سوم آگوست ۹۳۶ میلادی و ۳۰۵ سال پس از خروج عمان از قلمرو ایسران، فرماندار دیلمی کرمان، آن منطقه را ضمیمه ایالت خود کرد. عمان از زمان کوروش بزرگ تا سال ۶۳۰ میلادی به مدت ۱۱ قرن گوشه‌ای از قلمرو ایران و گاهی ضمیمه ساتراپی مکران (منطقه بزرگی در جنوب شرقی ایران و پاکستان امروز) و زمانی وابسته به ساتراپی کرمان بود. عمان ۵ سال پیش از جنگ قادسیه، از ایران جدا و به قلمرو حکومت اسلامیون پیوسته بود. این منطقه استراتژیک و ثروتمند واقع در جنوب تنگه هرمز تا ورود اروپاییان به خلیج فارس در قرن شانزدهم، همچنان از توابع ایران بود و پس از آن نیز در قرن هجدهم نادرشاه بر آنجا مسلط شد و می‌خواست مرکز ناوگان خود قرار دهد و از آنجا به اخراج اروپاییان از مشرق زمین و از جمله شرق آفریقا دست بزند که در توطئه قوچان به دست تنی چند از افسران کشته شد.

### برقراری آرامش در خراسان بزرگتر

چهارم آگوست ۱۷۳۶ میلادی رضاقلی میرزا افشار که از جانب پدر خود - نادرشاه - فرماندار همه خراسان شده بود «ابوالحسن خان» فرماندار محلی بلخ را که در پرداخت مالیات تعلل می‌کرد دستگیر و برای محاکمه و مجازات نزد پدر فرستاد که در آن تاریخ در قندهار بود.

در بازجویی از ابوالحسن خان معلوم شد که وی به تحریک ازبک‌ها از پرداخت مالیات طفره رفته بود که رضاقلی میرزا پالشکر خراسان سراغ ازبک‌ها رفت و آنان را به آن سوی تاشکند عقب زد و سپس از راه قندوز و کابل به دیدار پدر شتافت و نادرشاه به خاطر رشادت‌های او، پس از مشورت با بزرگان کشور و ژنرال‌ها و لعیهد ایران کرد. رضاقلی میرزا در بازگشت از قندهار به مشهد در سر راه خود در هرات توقف کرد و علیمیرادخان حاکم سابق «اندخود» را که در زندان بوده به اتهام خیانت به وطن (ایران) محاکمه و اعدام کرد. به این ترتیب در سراسر خراسان بزرگتر آرامش و حکومت قانون برقرار شد.

### نخستین چراغ راهنمایی جهان

امروز سالروز به کار افتادن نخستین چراغ راهنمایی جهان است.

این چراغ ترافیک روز چهارم آگوست سال ۱۹۱۴ در شهر کلیولند ایالت اوهایو آمریکا در چهارراه خیابان اقلید (اقلیدوس یونانی) و خیابان ۱۰۵ نصب شد تا اتومبیل رانان را هدایت کند.

www.iranianhistoryonthistday.com

## سودوکو

۱۴۰۵

				۲	۶	۱		
۱		۷		۸	۴			
			۱			۵		
۸	۳							۹
۲			۸		۹			۵
۶							۳	۴
	۸				۵			
		۴	۷			۹		۲
		۲	۹	۴				

۳	۶	۴	۱	۸	۹	۲	۷	۵
۲	۷	۵	۳	۶	۴	۱	۸	۹
۱	۸	۹	۲	۷	۵	۳	۶	۴
۴	۳	۶	۹	۵	۱	۸	۲	۷
۸	۱	۲	۴	۳	۷	۹	۵	۶
۹	۵	۷	۶	۲	۸	۴	۳	۱
۷	۴	۳	۸	۹	۶	۵	۱	۲
۶	۲	۱	۵	۴	۳	۷	۹	۸
۵	۹	۸	۷	۱	۲	۶	۴	۳

حل ۱۴۰۴

## جدول شرح در متن

۳۹۱۸

غلامحسین باغبان

آسمانی	بازگر سریال	مستغ	دواری خان	حل
↓	↓	بت جاهلیت	↓	۳۹۱۷
عدد رکعت نمازهای یومیه	کناری، همسایه	هجوم	و	۱
آزاده	↓	↓	↓	۲
چشم داشت	↓	↓	↓	۳
سختی در گوش گریز	نام مبارک امام اول نارس	↓	↓	۴
بسیار عصبانی شدن	مفتاح	↓	↓	۵
بردباری	کاشف الکلی	↓	↓	۶
اسارت	نام مبارک امام اول نارس	↓	↓	۷
مسروب به دانش	مفتاح	↓	↓	۸
در هم پیچیدن	تکرار حرف	↓	↓	۹
شعله آتش	دروازه‌بان	↓	↓	۱۰
پماد	↓	↓	↓	۱۱